

تأثیر نهادهای رسمی و غیررسمی بر توسعه کارآفرینی در کشورهای منطقه منا^۱

منیر مرادی^۲

داریوش حسنونند^۳

کاوه درخشانی^۴

احمد سرلک^۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۵

چکیده

در این مطالعه، تأثیر نهاد غیررسمی (کنترل فساد) و نهادهای رسمی (تعداد رویه‌های شروع کسب‌وکار، آموزش و مهارت‌های کارآفرینی، دسترسی به اعتبار و جذب فناوری) بر توسعه کارآفرینی طی دوره (۲۰۱۹-۲۰۰۵) در کشورهای منتخب منا، از جمله ایران تبیین می‌شود. نوع تحقیق توصیفی و با استناد به اطلاعات و آمار موجود از مؤسسه‌های اطلاعات بین‌المللی، بر اساس برآورد مدل‌های رگرسیونی با استفاده از داده‌های پانل تبیین می‌گردد. در انجام محاسبات، از نرم‌افزار Eviews 9 و Stata 14 استفاده شده و نتایج نشان می‌دهد که هر چه کنترل فساد بیشتر باشد، بر میزان کارآفرینی، افزوده خواهد شد، به طوری که بین کنترل فساد و نهادهای رسمی و توسعه کارآفرینی، رابطه مثبت و معنی‌داری وجود داشته‌است. در بین کشورهای منا، کشور ایران، کمترین تأثیر و کشور قطر، بیشترین تأثیر را بر کارآفرینی نشان داده، همچنین نتایج مطالعه، حاکی از آن است، که شاخص‌های کنترل فساد، آموزش و جذب فناوری، بیشترین تأثیر را بر شاخص توسعه کارآفرینی داشته‌اند.

واژگان کلیدی: کنترل فساد، نهادهای رسمی، کارآفرینی، منطقه منا

طبقه بندی JEL: D73, O17, L26, O53

۱. این مقاله، از رساله دکتری منیر مرادی اقتباس شده است.

۲. دانشجوی دکتری، گروه اقتصاد، واحد الیگودرز، دانشگاه آزاد اسلامی، الیگودرز، ایران Monir_moradi@ymail.com

۳. استادیار گروه اقتصاد، دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه لرستان و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد الیگودرز، ایران hassanvand.d@lu.ac.ir (نویسنده مسؤول).

۴. استادیار، گروه اقتصاد، دانشگاه اراک و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد الیگودرز، ایران studentsclassworks@gmail.com

۵. استادیار، گروه اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، ایران a-sarlak@iau-arak.ac.ir

۱. مقدمه

در دهه‌های اخیر، کشورها در پی یافتن راهکاری جهت رسیدن به رشد و توسعه اقتصادی بوده‌اند. بسیاری از اقتصاددانان، معتقدند که کارآفرینی به عنوان نیروی محرکه رشد و توسعه پایدار است (Acs and Szerb, 2007). شومپیتر (Schumpeter, 1934)، کارآفرینی را موتور رشد اقتصادی دانسته و معتقد است، که کارآفرینی، مجموعه ابداعات و خلاقیت‌هایی است که انرژی جدیدی برای پیشرفت به اقتصاد، تزریق خواهد کرد. وی کارآفرینی را با عنوان تخریب خلاق، وارد عرصه اقتصاد کرد (Kokkinou, 2005). کشورهای مختلف بر اساس کیفیت نهادهای اقتصادی، سیاسی و قانونی حاکم بر جامعه بر میزان توسعه کارآفرینی، تأثیر می‌گذارند (مودتی و همکاران، ۱۳۹۷). عوامل نهادی، ابتدا بر کارآفرینی، سپس بر رشد اقتصادی اثرگذار هستند (Aparacio et al., 2016).

تحقیقات انجام شده توسط نورث (North, 2005) و بامول (Bammol, 2007)، نشان داد که بین محیط نهادی و توسعه کارآفرینی، رابطه مستقیم وجود دارد. در ادبیات نهادگرایی، نهادها به دو گروه رسمی و غیررسمی تقسیم می‌شوند. نهادهای رسمی در قالب نهادهای سیاسی، حقوقی و اجرایی؛ و نهادهای غیررسمی، آداب و رسوم هنجارهای اجتماعی، فرهنگی است، که از پیچیدگی، تنوع و ماندگاری بیشتری نسبت به نهادهای رسمی برخوردار می‌باشند.

در این مطالعه، تعامل نهادهای رسمی و غیررسمی در محیط نهادی هر کشور خاص، از جمله ایران، در رابطه با توسعه کارآفرینی، بررسی می‌شود. محیط نهادی در توسعه کارآفرینی، از اهمیت بالایی برخوردار است (Fuentelsaz et al., 2018; Ghura et al., 2019)، ولی چندان به تأثیر کیفیت نهادی (INS¹) و عوامل نهادی غیررسمی توجه نشده و بیشتر به نهادهای رسمی (قوانین و مقررات) پرداخته و از هنجارها و فرهنگ‌های اجتماعی، غافل مانده‌اند (Castaño-Martínez et al., 2015; Bjørnskov and Foss, 2016).

مطالعات اخیر، نشان داده‌است که نهادهای غیررسمی، بیشتر از نهادهای رسمی بر توسعه کارآفرینی تأثیر می‌گذارند (Aparacio et al., 2016; Urbano and Alvarez, 2014). همچنین عجم‌اوغلو و رابینسون (Acemoglu and Robinson, 2008)، معتقدند، علاوه بر عوامل اقتصادی سنتی، محیط‌های نهادی نیز بر افراد و بنگاه‌ها و بر توسعه کارآفرینی و رشد اقتصادی در مناطق و کشورهای مختلف تأثیرگذار می‌باشند. نهادهای غیررسمی مانند ارزش‌های فرهنگی (Fernández-Serrano and Romero, 2014)، شبکه‌های اجتماعی (Estrin, 2013; Korosteleva, & Mickiewicz, 2011)، توجه به رسانه‌ها (Stenholm et al., 2013)، شناخت اجتماعی (Castaño-Martínez et al., 2015)

1. Institutional

و الگوها (Álvarez and Urbano, 2011)، تأثیر زیادی بر توسعه کارآفرینی داشته‌اند. در کشورهای در حال توسعه منطقه منا^۱ (MENA)، دولت‌ها قوانین و مقررات مشابه کشورهای توسعه‌یافته را وضع می‌کنند تا به کارآفرینی منجر شود، در حالی که این قوانین، به خوبی اجرا نمی‌شوند (Tonoyan et al., 2010). در همین راستا، دکلاک و همکاران (Clercq et al., 2010)، اظهار داشته‌اند که این کشورها، قوانین و مقررات را برای تسریع کارآفرینی، از کشورهای توسعه‌یافته کپی برداری کرده، بدون این‌که درکی از توان نهادهای غیررسمی (مانند بی‌توجهی به فرهنگ)، آن کشورها داشته‌باشند. کشورهای منا، با وجود برخوردار بودن از وفور عوامل اقتصادی (نفت، نیروی کار و ...) آن گونه که انتظار می‌رود، به رشد اقتصادی مناسب دست نیافته‌اند. مشکلات نهادی و ساختاری در این منطقه، ضعف در گرایش به کارآفرینی را باعث شده‌است. برای توسعه کارآفرینی، عملکرد مناسب نهادی و زیرساخت‌های توسعه‌ای، ضروری است.

با توجه به شرایط این کشورها، استخراج منابع طبیعی به دلیل هزینه پایین استخراج، در برابر بهای فروش بالای آنها، موجب رانت نفتی شده که زمینه‌ساز فساد است (Aslaksen, 2010). فساد پدیده جدیدی نیست و قدمتی تاریخی در نهادها و سازمان‌ها دارد که به عنوان میراثی ماندگار از سیستم‌های اقتصادی متمرکز و نفتی، به یادگار مانده است (Smallbone and Welter, 2001). برای بررسی نهادها در این کشورها، به دلیل فساد گسترده، این ادعا که فساد اقتصادی از مهمترین شاخص‌های منفی کارآفرینی است، به آزمون فساد، به عنوان یک عامل مؤثر و ناظر در کارآفرینی، نیاز است، زیرا تا کنون فساد را تنها یک متغیر کنترل در نظر می‌گرفتند (Bruton et al., 2008; Pathak et al., 2015) و از تأثیر تعاملی آن بر نهادهای رسمی غافل بوده‌اند (Anokhin, 2009; Aidis et al., 2012).

فساد به معنای سوءاستفاده از دارایی‌های عمومی برای منافع شخصی است که بر تخصیص منابع تأثیر می‌گذارد (Payne et al., 2013; Chowdhury et al., 2015) و در فرهنگ جای گرفته و به صورت یک هنجار اجتماعی درآمده است (North, 1990; Williamson, 2000). فساد، حتی اگر در فرایندهای نهادهای رسمی وارد شود، به طور بالقوه نتایج اصلاحات را کاهش می‌دهد (Acemoglu and Robinson, 2006). کنترل فساد، میزان جلوگیری از استفاده از قدرت و امکانات عمومی برای منافع شخصی است، که با تأثیر بر کنترل قوانین و مقررات تجاری، اعتماد کارآفرینان را نسبت به شروع و راه‌اندازی کسب‌وکار بیشتر کرده و موجب توسعه کارآفرینی خواهد شد (شیراوند و همکاران، ۱۳۹۸).

۱. حد این منطقه از کشور مراکش، در شمال غربی قاره آفریقا آغاز می‌شود و تا ایران، شرقی‌ترین کشور منطقه خاورمیانه، امتداد می‌یابد (Middle East and North Africa). کشورهای منتخب: الجزایر، ایران، عمان، قطر، عربستان سعودی، ترکیه، تونس، اردن، مراکش و عراق.

هدف از این پژوهش، درک بهتر نقش نهادهای رسمی و غیررسمی بر بهبود عملکرد کارآفرینی، در کشورهای منا، و همچنین به دنبال یافتن پاسخی برای چگونگی تأثیر عوامل نهادی بر توسعه کارآفرینی است، تا سطح فعالیت های کارآفرینی را از طریق اصلاح نهادها، افزایش دهد و به رشد اقتصادی منجر گردد. این مقاله، نیز در راستای مطالعات آیداس و همکاران (Aidis *et al.*, 2012) است، که کنترل فساد را یک نهاد غیررسمی می دانستند.

با توجه به مطالب گفته شده، هدف اصلی مقاله، بررسی تأثیر نهادهای رسمی و غیررسمی بر توسعه کارآفرینی در کشورهای منتخب مناطی دوره ۲۰۱۹-۲۰۰۵، است. برای تعیین تأثیر کیفیت نهادی از شاخص کنترل فساد، که یکی از شاخص های حکمرانی خوب است، استفاده شده، سپس شاخص های ترکیبی جدید با توجه به کنترل فساد بر توسعه کارآفرینی، مورد ارزیابی قرار می گیرند. در این مقاله، پس از بررسی مبانی نظری و اشاره به مطالعات پیشین، در بخش سوم، به روش تحقیق، در چهارچوبی مناسب، به تعامل نهادهای رسمی و غیررسمی و تأثیر آنها بر میزان کارآفرینی، پرداخته، سپس در بخش چهارم، با توجه به داده ها، یافته ها ارائه و تجزیه و تحلیل شده و در پایان نیز، نتیجه گیری و پیشنهادها مطرح خواهد شد.

۲. مبانی نظری و پیشینه تحقیق

بررسی ادبیات نظری و تجربی در مورد تغییرات توسعه کارآفرینی، با توجه به محیط نهادی در کشورها رو به افزایش است؛ ولی در اکثر مطالعات، تأثیر تعامل نهادهای رسمی و غیررسمی بر توسعه کارآفرینی، نادیده گرفته شده است (Aparacio *et al.*, 2016; Boettke and Coyne, 2009). البته محققان دیگر، مطالعاتی در زمینه نقش مؤثر نهادها بر کارآفرینی داشته اند (Bruton *et al.*, 2010 & Levie & Autio, 2011).

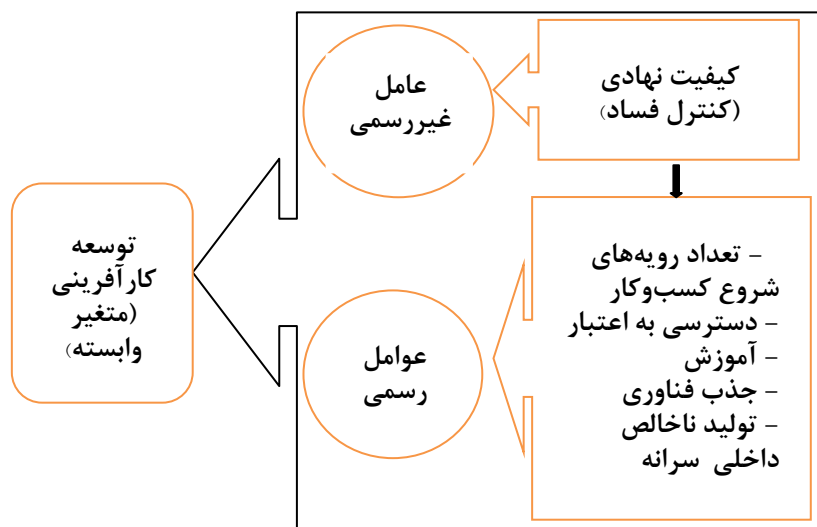
در میان ادبیات گذشته، مطالعات نورث (North, 1990 & 2005) و بامول (Bammol, 1990 & 2007) برای درک نقش نهادها در توسعه کارآفرینی، بسیار مؤثر بوده است. "نهادها، قواعد بازی در یک جامعه یا به طور رسمی، محدودیت هایی هستند که تعامل انسان را شکل می دهند" (North, 1990). نهادهای رسمی (قوانین و مقررات) برای کاهش هزینه معاملات و هزینه های ناشی از قوانین؛ و نهادهای غیررسمی (هنجارهای اجتماعی یک کشور خاص)، برای کاهش عدم اعتماد در تعامل انسانی، به وجود آمده اند. ویلیامسون (Williamson, 2000)، بیان کرد که، تغییرات نهادهای رسمی در کوتاه مدت رخ می دهند، در حالی که تغییرات نهادهای غیررسمی که از فرهنگ مشتق شده، نیاز به زمان بیشتری دارند. کارآفرینان برای ایجاد یک کسب و کار جدید، در ارتباط با نهادهای رسمی و غیررسمی، فعالیت های خود را در پاسخ فرصت ها و محدودیت های بازار، تطبیق خواهند داد

(Gnyawali & Fogel, 1994; Manolova *et al.*, 2008). نهادهای رسمی در کشورها، نقش اساسی در پرورش کارآفرینی داشته و برای اثربخشی خود، نیازمند تطبیق با نهادهای غیررسمی است (Fafchamps, 2002).

این مقاله، طبق چهارچوب نهادی گنیاوالی و فوکل (Gnyawali & Fogel, 1994)، نورث (North, 1990) و سلسله مراتبی ویلیامسون (Williamson, 2000) دارای ابعاد محیط نهادی، سیاست‌ها و رویه‌های دولتی، عوامل اجتماعی و اقتصادی، آموزش و مهارت‌های کارآفرینی، کمک‌های مالی و غیرمالی است.

مطالعات اخیر، نشان داد که این چهارچوب در بررسی ابعاد نهادی بر توسعه کارآفرینی مناسب بوده‌است. نهادهای رسمی، تعداد رویه‌های دولتی، آموزش و مهارت کارآفرینی، دسترسی به اعتبار و جذب فناوری و نهاد غیررسمی، کنترل فساد است. برای رشد اقتصادی کشورها، از تولید ناخالص داخلی سرانه (متغیر کنترل) به قیمت سال ۲۰۱۰ دلار آمریکا، استفاده شده‌است (El Harbi and Ghura *et al.*, 2019; Anderson, 2010).

نمودار ۱. مدل مفهومی: برگرفته از مدل (Gnyawali & Fogel, 1994) و (Ghura *et al.*, 2019)



بنابراین، چهارچوب مفهومی، برای تجزیه و تحلیل تأثیر کنترل فساد، نهادهای رسمی و توسعه کارآفرینی طبق نمودار ۱، طراحی شد، تا در تبیین توسعه کارآفرینی در کشورهای منا، مؤثر باشد.

۲-۱. کنترل فساد، نهادهای رسمی و کارآفرینی

در ادبیات معاصر، نقش فساد در توسعه کارآفرینی تا حدودی با مغایرت همراه است (Mo, 2001; Dreher, & Gassebner, 2013; Dutta & Sobel, 2016). از یک طرف، تئوری "چرخ را چرب کنید"^۱، با کوتاه کردن روند کسب و کار، از طریق دادن رشوه و فساد اداری، برای کارآفرینان مشتاق، می‌تواند، مناسب باشد (Krasniqi and Desai, 2016; Chang, & Hao, 2017; Aidt, 2009). از طرف دیگر، تحقیقات زیادی، تأثیر منفی رانت و فساد را که توسط کارآفرینان مشتاق، در اقتصاد ایجاد شده و به افزایش هزینه‌های مبادله و انحراف منابع منجر گردیده‌است را نشان داده‌اند (Anokhin and Schulze, 2009; Aidis et al., 2012).

آنوخین و شولز (Anokhin and Schulze, 2009) و فستوس و همکاران (Festus et al., 2014) بر این باورند که، کشورهایی که از قوانین و مقررات ساده، سازوکارهای اداری شفاف و کم‌هزینه برخوردارند، فساد، مانع رشد اقتصادی بوده و در مقابل، کنترل فساد، اثری مثبت بر رشد اقتصادی خواهد داشت، ولی از آنجا که در برخی از کشورها قوانین پیچیده و متغیرند، فرایندهای اداری، زمان‌بر و پرهزینه بوده و سبب کاهش هزینه‌های مبادلاتی بنگاه‌ها می‌شود. در کشورهایی که فساد بالا است، رشوه می‌تواند نظام خشک اداری را تا حدی منعطف کرده و به معاملات سرعت بخشد (شیراوند و همکاران، ۱۳۹۸). البته این احتمال وجود دارد که، نهادهای رسمی (مانند مقررات تجاری) در یک محیط عاری از فساد، تأثیر بیشتری بر فعالیت‌های کارآفرینی داشته‌باشند (Levie & Autio, 2011)، اما در واقعیت، هیچ جامعه‌ای عاری از فساد نیست (Shleifer & Vishny, 1993). بنابراین هر سطحی از فساد، اعتماد کارآفرینان را برای اصلاح نهادهای رسمی تضعیف می‌کند، هر چند ممکن است، فساد با حاکمیت قانونی کشورها رابطه مثبت داشته‌باشد (Payne et al., 2013).

کنترل فساد، یکی از شاخص‌های حکمرانی خوب است، که در این مطالعه، از میان شاخص‌های متنوع موجود برای نشان دادن کیفیت نهادی، به آن پرداخته شده‌است. دیگر شاخص‌های حکمرانی که توسط بانک جهانی معرفی شده، عبارتند از: حق اظهارنظر و پاسخگویی^۲، کنترل فساد^۳، ثبات سیاسی^۴، حاکمیت قانون^۵، کیفیت قوانین و مقررات^۶، اثربخشی دولت^۷.

بنابراین با کنترل فساد، سطح فساد کاهش می‌یابد و موجب افزایش اعتماد بیشتر به اصلاح

1. Grease the Wheel Theory
2. Voice and Accountability
3. Control of Corruption
4. Political Stability
5. Rule of Law
6. Regulatory Quality
7. Government Effectiveness

سیاست‌های دولت در جهت تشویق کارآفرینان به مشاغل رسمی می‌گردد (Ghura *et al.*, 2019). این پژوهش، نشان می‌دهد، کنترل فساد در تعامل با نهادهای رسمی، چگونه بر توسعه کارآفرینی اثر می‌گذارد. با توجه به اختلافات ادبیات موجود، در این مقاله، هدف، درک بهتر تأثیر کنترل فساد و نهادهای رسمی بر توسعه کارآفرینی است.

۲-۲. عوامل رسمی و غیررسمی مؤثر بر توسعه کارآفرینی

در اینجا تأثیر کنترل فساد، تعداد رویه‌های شروع کسب‌وکار، آموزش و مهارت‌های کارآفرینی، دسترسی به اعتبار و جذب فناوری بر توسعه کارآفرینی، مدنظر است. فساد، یکی از شاخص‌های مهم نهادهای غیررسمی است که از طریق تعامل با سایر نهادهای رسمی بر توسعه کارآفرینی، تأثیر منفی می‌گذارد، و دلیل آن، این است که، "بنیان اعتماد را برای ایجاد کسب‌وکار، تضعیف می‌کند" (Anokhin and Schulze, 2009). پاتاک و همکاران (Pathak *et al.*, 2015) بیان داشتند که، فساد تنها یک متغیر کنترل نیست، بلکه می‌تواند به عنوان ناظر و تعدیل‌کننده بر روابط بین نهادهای رسمی و توسعه کارآفرینی در کشورها تأثیر بگذارد، زیرا ممکن است، کنترل فساد با تأثیر بر کنترل نهادهای رسمی، از جمله، کنترل قوانین و مقررات تجاری، اعتماد کارآفرینان را نسبت به ایجاد و راه‌اندازی کسب‌وکار جدید بیشتر کند.

۲-۳. کنترل فساد و تعداد رویه‌های شروع کسب‌وکار و توسعه کارآفرینی

سیاست‌ها و رویه‌های دولتی (مراحل قانونی) جهت کسب‌وکار جدید، سازوکار بازار را تحت تأثیر قرار داده و با به‌حداقل رساندن موانع، عملکرد بازار را بالاتر برده و کارآفرینان را به سرمایه‌گذاری‌های جدید ترغیب می‌کند (Álvarez *et al.*, 2014). گنیاوالی و فوکل (Gnyawali & Fogel, 1994) بیان داشتند که مقررات دولتی، مانند تعداد رویه‌های کسب‌وکار، هزینه‌ها و مالیات‌ها، برای راه‌اندازی شغل جدید کارآفرینان بالقوه، اثر منفی بر کارآفرینی بالقوه خواهد داشت. به‌طور مثال، در کشور استرالیا، برای ایجاد یک کار جدید، دو روز وقت صرف می‌شود، درحالی‌که در برزیل، به دلیل مقررات دقیق، ممکن است ۱۵۲ روز زمان ببرد (Klapper *et al.*, 2006). از این رو، تعداد رویه‌های گسترده کسب‌وکار، ممکن است کارآفرینان را از سرمایه‌گذاری جدید منصرف کند (Urbano and Alvarez, 2014; Aparacio *et al.*, 2016; Ghura *et al.*, 2019).

بنابراین، تعداد رویه‌ها و تأثیر آن بر توسعه کارآفرینی در کشورهای در حال توسعه، بسیار مهم است؛ زیرا کارآفرینان مشتاق، باید با موانع و قوانین سخت و ناکارآمد مقابله کنند (Aidis *et al.*, 2008). در همین راستا، کلاپر و لائو (Klapper & Love, 2010) دریافته‌اند، که اصلاح سیاست‌های

دولت در زمینه کاهش تعداد رویه‌ها در کشورهایی که فضای کسب‌وکار بهتری دارند، مؤثرتر خواهد بود. بانک جهانی تجاری^۱ (DB) نیز از کاهش مقررات برای شروع کسب‌وکار جدید حمایت کرده و بیان می‌کند که تعداد رویه‌های کمتر و ساده‌تر، کارآفرینان را برای شروع یک فعالیت جدید، بیشتر تحریک خواهد کرد. به عنوان مثال، "ساده‌سازی تشریفات ثبت‌نام، بهترین اصلاحات طی سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۷ بود، که در ۴۹ کشور به اجرا درآمد (Aparacio, Álvarez and Urbano, 2011; et al., 2016). بنابراین، کنترل فساد، بر رابطه منفی بین تعداد رویه‌های کسب‌وکار و توسعه کارآفرینی در کشورهای منا، احتمالاً تأثیر می‌گذارد.

۲-۴. کنترل فساد، آموزش و توسعه کارآفرینی

از مطالعات قبلی، ارتباط گسترده آموزش با افزایش سطح کارآفرینی و رشد اقتصادی شناخته شده است (Fuentelsaz et al., 2015; Levie, & Autio, 2008; Gnyawali & Fogel, 1994; Ghura et al., 2019). یک سیستم آموزش عالی متمرکز بر توسعه مهارت‌ها در زمینه تولید محصولات جدید، کارآفرینان را قادر می‌سازد تا سرمایه‌گذاری‌های جدید انجام دهند (Bowen and De Clercq, 2008). از این طریق، کارآفرینان ترغیب می‌شوند که از فرصت‌های کارآفرینی در بازار به‌خوبی استفاده کنند. کارآفرینان تحصیل کرده در محیط نهادی مناسب، ممکن است واکنش بهتری را از خود نشان دهند (Autio and Acs, 2011)، زیرا آنها با سطح آموزش بالاتر، توانایی شناسایی فرصت‌ها را در بازار دارند. خدمات آموزشی در کشورهای در حال توسعه برای تأمین کارآیی نیروی انسانی و تشویق شرکت‌ها به منظور طراحی استراتژی‌های مشاغل، دارای اهمیت است. مانولوا و همکاران (Manolova et al., 2008) دریافتند که در کشورهای در حال توسعه، کارآفرینانی که سواد بالاتری دارند، به دلیل عدم اعتماد به کسب‌وکار جدید، از خود تمایل کمتری را نشان می‌دهند. این اعتماد پایین، مربوط به محیط نهادی این کشورها است.

تجربه نشان می‌دهد که، اگر کنترل فساد بیشتر باشد، آموزش بهبود یافته و در توسعه کارآفرینی مؤثرتر خواهد بود و به کارآفرین، این امکان را می‌دهد که سهم بیشتری از درآمد خود را در زیرساخت‌های آموزشی و تحقیقاتی به کار گیرد (Ghura et al., 2019; Aparacio et al., 2016). از این رو، کنترل فساد، ممکن است، موجب بهبود سطح آموزش عالی و توسعه کارآفرینی گردد.

۲-۵. کنترل فساد، دسترسی به اعتبار و توسعه کارآفرینی

در دسترس بودن منابع مالی، یکی از مهمترین ارکان شروع کسب‌وکار جدید برای کارآفرین است (Gnyawali & Fogel, 1994). ون اوکان و نلی (Van Auken and Neely, 1999) تأکید کردند

که ساختار مالی ناقص، مانع اصلی ایجاد سرمایه‌گذاری جدید است، زیرا کارآفرینان بدون دسترسی به اعتبار، قادر به تحقق ایده‌های خود نبوده و در نتیجه، توسعه کارآفرینی کاهش می‌یابد. کارآفرینان برای مشاغل جدید، از طریق سرمایه‌گذاران غیررسمی مانند، خانواده و شبکه‌های اجتماعی (Szerb *et al.*, 2007) و همچنین سرمایه‌گذاری پرخطر و وام‌های بانکی ملی یا بین‌المللی (Korosteleva and Aparacio *et al.*, 2016; Mickiewicz, 2011)، کمک خواهند گرفت، البته این احتمال وجود دارد که، بانک‌ها پیشقدم نشوند، زیرا معتقدند که مشاغل نوپا پر هزینه بوده و ممکن است، آنها قادر به باز پرداخت بدهی خود نباشند.

به‌همین منظور، مطالعات متعددی جهت بهبود دسترسی به اعتبار بانکی صورت گرفت و برای حمایت مالی، پیشنهادهای نیز مطرح گردید، مانند دادن اعتبار با نرخ بهره پایین برای ایجاد سرمایه‌گذاری‌های جدید (Bowen and De Clercq, 2008; Levie & Autio, 2011; Castaño-Martínez *et al.*, 2015; Aparacio *et al.*, 2016). در کشورهای درحال توسعه، به دلیل عدم توسعه نهادهای مالی، دسترسی به اعتبار، بسیار محدود است (Estrin *et al.*, 2013; Audretsch & Belitski, 2016). تحقیقات قبلی نشان داده‌است که سطح بالای فساد و رشوه بر رشد زیرساخت‌های مالی این کشورها، تأثیر منفی داشته‌است (La Porta *et al.*, 1999). بنابراین بین محیط نهادی و سطح توسعه مالی هر کشور، برای ایجاد یک کسب‌وکار جدید، ارتباط وجود دارد (Chowdhury *et al.*, 2015; Bowen and De Clercq, 2008).

براین اساس، در کشورهای درحال توسعه مانند منطقه منا، که سطح فساد بالا و نهاد مالی توسعه نیافته‌است، این احتمال وجود دارد، که کارآفرینان با کنترل فساد، دسترسی بیشتری به منابع مالی برای ایجاد فعالیت‌های جدید خود، به‌دست آورده و بر توسعه کارآفرینی تأثیر بگذارند.

۶-۲. کنترل فساد، جذب فناوری و توسعه کارآفرینی

آخرین نهاد رسمی که مورد بررسی قرار می‌گیرد، جذب فناوری است (Gnyawali & Fogel, 1994). فناوری جدید و همچنین ظرفیت جذب فناوری توسط شرکت‌ها، یک عامل اساسی جهت گسترش کارآفرینی و مشارکت بالا، محسوب می‌گردد (Stenholm *et al.*, 2013). پیشرفت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات^۱ (ICT) از طریق اینترنت (به‌عنوان مثال، رسانه‌های اجتماعی، اینترنت اشیا، خدمات تلفن همراه و ...)، راه‌اندازی مشاغل جدید را امکان می‌سازد، زیرا با هزینه‌های کمتر و زمان کوتاه‌تر، میزان تبادلات اطلاعاتی افزایش خواهد یافت (Acs *et al.*, 2008a). از این‌رو، توسعه کارآفرینی در کشورهای درحال توسعه، نیز افزایش می‌یابد (Acs and Szerb, 2007; Audretsch

1. Information and Communication Technology

Acemoglu, 2016). بنابراین، رفع موانع جذب فناوری در این کشورها، ضروری است (Acemoglu, 2016; Belitski, 2016). در نتیجه، کنترل فساد و دسترسی به فناوری خارجی، می تواند، به میزان قابل توجهی بر توسعه کارآفرینی در این کشورها تأثیرگذار باشد (Pathak et al., 2015; Audretsch et al., 2008).

۲-۷. مطالعات داخلی

مشهدی-احمد و اروعی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای، به بررسی رابطه دوسویه نهادها و کارآفرینی، از روش داده‌های پانل برای ۲۲ کشور در حال توسعه طی دوره ۲۰۱۷-۱۹۹۰ پرداختند، نتایج نشان داد، که ارتباط مثبت و معنی‌دار بین کارآفرینی و نهادها، وجود داشته‌است.

شیراوند و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای، با استفاده از داده‌های تابلویی و روش حداقل مربعات سه‌مرحله‌ای (SLS) نشان دادند که نهادها از جمله کنترل فساد، اثری مثبت و معنی‌دار بر رشد و کارآفرینی در کشورهای در حال توسعه در دوره ۲۰۱۵-۲۰۰۸ داشته‌است.

مودتی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله خود، به بررسی کارآفرینی و محیط نهادی بر رشد اقتصادی در ۳۰ کشور منتخب، طی دوره ۲۰۱۷-۲۰۰۹ با روش گشتاورهای تعمیم‌یافته و با استفاده از داده‌های سالانه دیده‌بان جهانی کارآفرینی و بانک جهانی، نشان دادند که ارتباط معنی‌دار میان کارآفرینی فرصت‌گرا و نهادهای رسمی و غیررسمی، بر رشد اقتصادی وجود داشته‌است.

کاکه‌براتی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای، فساد اداری و تأثیر آن بر توسعه کارآفرینی، در ۷۹ کشور منتخب عضو مؤسسه دیده‌بان جهانی کارآفرینی برای دوره ۲۰۱۵-۲۰۱۱ را با آزمون رگرسیون خطی ساده، مورد بررسی قرار داده و نشان دادند که هر چه شاخص فساد کشورها کاهش یابد، بر میزان کارآفرینی و رشد اقتصادی آنها افزوده شده و رابطه معکوس و معنی‌داری بین فساد و کارآفرینی وجود داشته‌است.

شاکری و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای، به بررسی کیفیت نهادی و رشد اقتصادی در کشورهای منا با استفاده از تخمین داده‌های پانل طی دوره ۲۰۱۰-۲۰۰۲، به اندازه‌گیری کیفیت نهادی با توجه به شش شاخص حکمرانی خوب، پرداخته و به این نتایج دست یافتند که کیفیت نهادی با رشد اقتصادی، رابطه مثبت و معنی‌داری داشته‌است.

صباحی و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای، به بررسی تأثیر کنترل فساد و کارآفرینی بر رشد اقتصادی با روش حداقل مربعات معمولی و داده‌های مقطعی در نمونه‌ای وسیع از کشورها در دوره ۲۰۰۶-۱۹۹۶ پرداخته، و نتایج نشان دادند که در کشورهای توسعه‌یافته، کنترل فساد با توسعه کارآفرینی و رشد اقتصادی، رابطه مثبت و معنی‌داری داشته‌است.

۸-۲. مطالعات خارجی

غورا و همکاران (Ghura *et al.*, 2019) در مقاله‌ای، به بررسی اثر متقابل عوامل رسمی و غیررسمی بر فعالیت‌های کارآفرینی و توسعه اقتصادی در ۴۴ کشور نوظهور و توسعه‌یافته در دوره ۲۰۱۴-۲۰۰۶، با استفاده از روش داده‌های تابلویی پرداخته و به این نتایج رسیدند که نهادهای غیررسمی بر نهادهای رسمی، تأثیر می‌گذارند. کنترل فساد و عوامل رسمی، به‌طور معنی‌داری بر میزان فعالیت‌های کارآفرینی اثر داشته و این اثر در کشورهای درحال توسعه، از کشورهای توسعه‌یافته نیز بیشتر بوده‌است.

چوداری و همکاران (Chowdhury *et al.*, 2019) در مقاله‌ای، کیفیت نهادها و کارآفرینی را طی دوره ۲۰۱۵-۲۰۰۵ برای ۷۰ کشور منتخب با استفاده از روش داده‌های تابلویی بررسی کرده و با تأثیر ابعاد مختلف نهادهای رسمی و غیررسمی بر کمیت و کیفیت توسعه کارآفرینی میان کشورها، نشان دادند که نهادها، تأثیرات چندجانبه بر توسعه کارآفرینی داشته‌است؛ هرچند که ماهیت این تأثیرات برای نهادهای مختلف، متفاوت بوده‌است.

یوربانو و همکاران (Urbano *et al.*, 2019) در مقاله‌ای، به بررسی تمامی پژوهش‌ها و داده‌های موجود در زمینه نهادها، کارآفرینی و رشد اقتصادی طی سال‌های ۲۰۱۶-۱۹۹۲ با استفاده از روش داده‌های تابلویی پرداخته و با بررسی تمامی پیشینه‌ها، چنین نتیجه‌گرفته‌اند که نهادها از طریق عامل کارآفرینی، بر رشد اقتصادی جوامع تأثیرگذار بوده‌اند، هرچند تعیین میزان دقیق تأثیر هر یک از عوامل نهادی بر میزان کارآفرینی، امری پیچیده‌است. همچنین درک رابطه میان نهادها، کارآفرینی و رشد اقتصادی را در فرایندهای سیاست‌گذاری‌های اقتصادی امری ضروری دانستند.

ایزلی و همکاران (Easley *et al.*, 2018) در مقاله‌ای، به بررسی تأثیر متقابل نهادهای رسمی و غیررسمی بر ایجاد مشاغل جدید، بقا و توسعه کارآفرینی و توسعه اقتصادی پرداخته و نشان دادند که نهادها با توجه به تفاوت‌های ملی و منطقه‌ای که با هم دارند، تأثیر متفاوت بر توسعه کارآفرینی داشته‌اند. همچنین نهادهای غیررسمی، اثر ماندگارتری نسبت به نهادهای رسمی دارند.

آپاریچو و همکاران (Aparacio *et al.*, 2016) در مقاله‌ای، به بررسی عوامل نهادی، کارآفرینی فرصت و رشد اقتصادی، با داده‌های پانل و روش حداقل مربعات سه‌مرحله‌ای برای ۴۳ کشور منتخب در دوره ۲۰۱۲-۲۰۰۴ پرداخته و نشان دادند که نهادهای غیررسمی مانند کنترل فساد و اعتمادبه‌نفس، نسبت به نهادهای رسمی، تأثیر بیشتری بر کارآفرینی و توسعه اقتصادی دارند.

برونسکو و فاس (Bjørnskov and Foss, 2016)، دریافتند که نهادها، بویژه نهادهای رسمی بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارند و نشان دادند، که استفاده از اقتصاد نهادی برای یافتن عوامل تاثیرگذار بر رشد اقتصادی، دارای اهمیت است. درحالی‌که اهمیت نهادهای غیررسمی در زمینه کارآفرینی با هدف دستیابی به رشد اقتصادی بیشتر، وجود ندارد.

آلوارز و یوربانو (Álvarez and Urbano, 2011) در مقاله‌ای، از طریق داده‌های پانل، به بررسی کنترل فساد در آمریکای لاتین با رویکرد نهادی، پرداخته و نشان دادند که کنترل فساد (نهاد غیررسمی)، نسبت به نهادهای رسمی، تأثیر بیشتری بر کارآفرینی داشته‌است. با جمع‌بندی مطالعات انجام‌یافته خارجی و داخلی، می‌توان بیان کرد که در اغلب مطالعات، به بررسی تأثیر فساد متغیرهای اقتصادی و تأثیر عوامل نهادی، به طور مستقیم بر کارآفرینی در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه به صورت مقایسه‌ای، پرداخته شده، اما تأثیر تعاملی کیفیت نهادی و عوامل نهادهای رسمی بر شاخص کارآفرینی، بررسی نشده‌است. از این رو موضوع این مطالعه، از سایر مطالعات متمایز بوده، ضمن آنکه در این مطالعه، نهاد غیررسمی کنترل فساد، به صورت تعاملی با نهادهای رسمی بر کارآفرینی، بررسی شده، که این رویکرد در مطالعات کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (منا)، تاکنون انجام نگرفته و نسبت به مطالعات قبل، دارای نوآوری است.

۳. روش تحقیق و داده‌ها

این تحقیق از جنبه هدف، از نوع کاربردی است، زیرا از نتایج حاصله، می‌توان در تصمیمات سیاست‌گذاران و تحلیل‌گران، برای توسعه کشور، بهره برد. نمونه مورد مطالعه ۱۰ کشور در حال توسعه منا، شامل الجزایر، ایران، اردن، مراکش، عمان، قطر، عربستان سعودی، تونس، ترکیه و عراق است، که تا حدودی ثبات در این کشورها برقرار بوده‌است. همچنین داده‌های این کشورها در دسترس بوده و اطلاعات متغیرها (مستقل و وابسته) طی دوره ۲۰۱۹-۲۰۰۵، از منابع مختلف گزارشات بین المللی (بانک جهانی، یونسکو و بانک دیدهبانی کارآفرینی)، اخذ شده‌است. دوره زمانی انتخاب شده به دلیل وجود گزارش‌های سالانه موجود می‌باشد. در این تحقیق برای برآورد مدل‌ها، از نرم‌افزار Eviews و Stata14 استفاده شده‌است.

برای برآورد مدل‌ها، از مبانی نظری و مطالعات گنیواالی و فوکل (Gnyawali & Fogel, 1994)، نورث (North, 1994 & 2005)، آیداس و همکاران (Aidis et al., 2012)، بوون و دکلاک (Bowen & De Clercq, 2008)، آپاریچو و همکاران (Aparicio et al., 2016) و غورا و همکاران (Ghura et al., 2019)، در بررسی تأثیر کیفیت نهادی (کنترل فساد) و نهادهای رسمی (تعداد رویه‌های شروع کسب‌وکار، آموزش و مهارت‌های کارآفرینی، دسترسی به اعتبار و جذب فناوری) بر توسعه کارآفرینی در کشورهای منا، استفاده شده‌است. معرفی مدل و توصیف داده‌ها در این مطالعه، با بهره‌گیری از نظریه‌های مختلف و مطالعات تجربی گوناگون صورت گرفته در داخل و خارج، به لحاظ نظری به صورت رابطه‌های رگرسیونی زیر، در نظر گرفته شده‌است:

$$NER_{it} = \alpha + \beta_1 CC_{it} + \beta_2 TEDU_{it} + \beta_3 AC_{it} + \beta_4 TA_{it} + \beta_5 PRO_{it} + \beta_6 GDPpc_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

$$NER_{it} = \alpha + \beta_1 CC_{it} \times PRO_{it} + \beta_2 TEDU_{it} + \beta_3 AC_{it} + \beta_4 TA_{it} + \beta_5 GDPpc_{it} + \varepsilon_{it} \quad (2)$$

$$NER_{it} = \alpha + \beta_1 CC_{it} \times TEDU_{it} + \beta_2 PRO_{it} + \beta_3 AC_{it} + \beta_4 TA_{it} + \beta_5 GDPpc_{it} + \varepsilon_{it} \quad (3)$$

$$NER_{it} = \alpha + \beta_1 CC_{it} \times AC_{it} + \beta_2 PRO_{it} + \beta_3 TEDU_{it} + \beta_4 TA_{it} + \beta_5 GDPpc_{it} + \varepsilon_{it} \quad (4)$$

$$NER_{it} = \alpha + \beta_1 CC_{it} \times TA_{it} + \beta_2 PRO_{it} + \beta_3 TEDU_{it} + \beta_4 AC_{it} + \beta_5 GDPpc_{it} + \varepsilon_{it} \quad (5)$$

متغیر وابسته، نرخ ورود جدید^۱ (NER)، شاخص کارآفرینی بوده، از مجموعه داده‌های دیده‌بانی کارآفرینی^۲ (GEM) بانک جهانی گرفته شده و مربوط به شرکت‌های ثبت‌شده با مسئولیت محدود^۳ (LLC) در دفاتر دولتی است. این شاخص، معمولاً برای مقایسه کارآفرینی در سراسر کشورها استفاده می‌شود (Dvouletý, 2018; Acs et al., 2008a). متغیرهای مستقل، نهاد غیررسمی کنترل فساد^۴ (CC)، است، که برای جلوگیری از برداشت قدرت عمومی برای منافع شخصی، و داده‌های آن، از شاخص پروژه‌های حکمرانی جهانی^۵ (WGI) به‌دست آمده‌است. نمرات کنترل فساد در پایگاه اطلاعاتی بین ۲/۵- تا ۲/۵ است، هرچه این نمره بالاتر باشد، سطح فساد پایین‌تر خواهد بود (Álvarez and Urbano, 2011; Aparacio et al., 2016; Ghura et al., 2019).

بعد از کنترل فساد، اولین نهاد رسمی، تعداد رویه‌های شروع کسب‌وکار^۶ (PRO)، که تعداد رویه‌های رسمی لازم را برای راه‌اندازی یک کسب‌وکار جدید، مشخص می‌کند و داده‌های آن از شاخص تجاری بانک جهانی (DB) گرفته شده‌است (Aparacio et al., 2016; Ghura et al., 2019). دومین نهاد رسمی، متغیر آموزش و مهارت‌های کارآفرینی^۷ (TEDU) است که درصد افراد تحصیل‌کرده دانشگاهی در کشور را نشان می‌دهد و داده‌های آن، از پایگاه بونسکو به‌دست آمده‌است (Ghura et al., 2019; Aparacio et al., 2016; Álvarez and Urbano, 2011). سومین نهاد رسمی، متغیر دسترسی به اعتبار^۸ (AC) است که از اعتبارات داخلی توسط بانک‌ها به‌عنوان سهمی از تولید ناخالص داخلی، به بخش خصوصی پرداخته شده و از مجموعه داده‌های شاخص توسعه جهانی^۹ (WDI) به‌دست آمده‌است (Álvarez and Urbano, 2011). آخرین نهاد رسمی، متغیر جذب فناوری^{۱۰} (TA) است، که از میزان تغییرات فناوری در سطح شرکت اندازه‌گیری شده و داده‌های آن،

1. New Entry Rate
2. Global Intrepreneurship Monitor
3. Limited liability companies
4. Control of Corruption
5. Worldwide Governance Indicators
6. Procedures for starting a business
7. Tertiary
8. Access to Credit
9. World Development Indicators
10. Firm- Level Technology Absorption

از گزارش رقابت جهانی^۱ (GCR) گرفته شده است (Stenholm *et al.*, 2013).
 با توجه به اینکه سطح رشد و توسعه اقتصادی کشورها، عامل مهمی در توسعه کارآفرینی است (Wennekers *et al.*, 2005)، برای نشان دادن میزان رشد اقتصادی، از تولید ناخالص داخلی سرانه^۲ (GDPpc) به قیمت ثابت سال ۲۰۱۰ دلار آمریکا، به عنوان متغیر کنترلی، استفاده شده و داده‌های آن، از بانک جهانی به دست آمده است (Ghura *et al.*, 2019). لازم به ذکر است در مدل‌های فوق، تعامل کنترل فساد و تعداد رویه‌ها (CC*PRO)، کنترل فساد و آموزش (CC*TEDU)، کنترل فساد و دسترسی به اعتبار (CC*AC) و کنترل فساد و جذب فناوری (CC*TA) را نشان می‌دهد. همچنین α بیانگر عرض از مبدأ و β ها نیز ضرایب مربوطه می‌باشند. در آخر روابط هم جمله خطا (ϵ_{it}) آمده است. اندیس‌های t و i هم، به ترتیب، نشان‌دهنده زمان و کشور می‌باشند.
 با توجه به اینکه برای آزمون فرضیه‌ها، از داده‌های ترکیبی استفاده شده است، از آزمون F لیمر برای انتخاب بین روش داده‌های تابلویی و روش داده‌های تلفیقی استفاده می‌شود. در صورت انتخاب روش پانل، آزمون هاسمن برای انتخاب بین روش‌های اثرات ثابت و اثرات تصادفی، انجام می‌شود. آماره این آزمون، به صورت زیر است:

$$F = \frac{(RRSS - URSS) / (N - 1)}{URSS / (NT - N - K)} \sim F_{N-1, N(T-1)-K}$$

اگر F محاسبه شده از F جدول (N(T-1) - K و N-1) با درجه آزادی بزرگتر باشد، فرض H_0 مبنی بر همگنی مقاطع و عرض از مبدأهای یکسان (روش داده‌های تلفیقی)، رد می‌شود و اثرات گروه، پذیرفته شده و باید عرض از مبدأهای مختلفی را در برآورد لحاظ کرد و در نتیجه، می‌توان از پانل جهت برآورد استفاده کرد، ولی در صورتی که فرضیه H_0 پذیرفته شود، به معنی یکسان بودن شیب‌ها برای مقاطع مختلف بوده و ناهمسانی عرض از مبدأها (روش داده‌های تابلویی)، قابلیت ترکیب شدن داده‌ها و استفاده از مدل داده‌های تلفیقی، مورد تأیید آماری قرار می‌گیرد. سپس بعد از مشخص شدن استفاده از پانل، برای تعیین اثرات ثابت و تصادفی، از آزمون هاسمن استفاده کرده که بر پایه وجود یا عدم وجود ارتباط بین خطای رگرسیون تخمین زده شده و متغیرهای مستقل مدل است. اگر چنین ارتباطی وجود نداشته باشد، مدل اثر تصادفی است و اگر این ارتباط وجود داشته باشد، مدل اثر ثابت، کاربرد خواهد داشت. در آزمون هاسمن، فرضیه‌های H_0 روش اثرات تصادفی و H_1 روش اثرات ثابت تعریف می‌شوند (سوری، ۱۳۹۲).

1. Global Competitiveness Report
2. GDP Per Capita Purchasing Power Parity

۴. یافته‌های تحقیق

در پژوهش حاضر، جهت بررسی ارتباط بین متغیرهای مستقل و وابسته، از روش داده‌های ترکیبی استفاده شده، و لازم است، ابتدا ایستایی متغیرها بررسی شود. از آنجایی که تعداد سال‌ها بین ۱۵-۱۰ سال می‌باشد، آزمون ایستایی داده‌های ترکیبی لازم نیست (سوری، ۱۳۹۲).

با هدف تجزیه و تحلیل و تعیین تأثیر عوامل نهادی بر توسعه کارآفرینی در مدل‌های استفاده شده و به منظور برآورد رگرسیون‌ها، قبل از تجزیه و تحلیل و تفسیر نتایج، برای اطمینان از نتایج به دست آمده، آزمون‌های مختلف تشخیصی مدل انجام شد. در این تحقیق، از آزمون جاک-برا، برای بررسی نرمال بودن توزیع جملات پسماند استفاده، و نتایج آزمون در جدول ۱، ارائه شده است. طبق آزمون و سطح معنی‌داری بالای ۵ درصد، نرمال بودن جملات خطا تأیید می‌گردد. همچنین به منظور استقلال مشاهدات از آزمون دوربین-واتسون استفاده شده است. برای آزمون خودهمبستگی، اگر آماره بین ۱/۵ و ۲/۵ باشد، فرض عدم وجود خودهمبستگی بین خطاها پذیرفته می‌شود. طبق جدول ۲، میزان این آماره برای مدل‌ها در حدود ۲/۰۴ و ۱/۸۹ است.

نتایج حاصل از آزمون‌های F لیمر که در جدول ۲، آورده شده، با توجه به اینکه آماره F به دست آمده از مقدار جدول بزرگتر است، مشاهده می‌گردد که آماره F در سطح ۱ درصد معنی‌دار می‌باشد و بنابراین در اینجا، در مدل‌ها، از روش داده‌های پانل استفاده می‌شود. از طرفی با توجه به آماره F، می‌توان بیان نمود که رابطه خطی معنی‌داری میان متغیرهای مستقل و وابسته وجود دارد و قابل اتکا بودن نتایج رگرسیون، مورد تأیید قرار می‌گیرد. برای تصمیم‌گیری در مورد تخمین به روش اثرات ثابت و تصادفی نیز از آزمون هاسمن استفاده شد، که طبق نتایج در جدول ۲، آماره هاسمن در سطح ۵ درصد معنی‌دار است و مدل‌ها به روش اثرات ثابت آزمون شده‌اند.

در صورتی که خطاها، واریانس یکسانی نداشته باشند، واریانس ناهمسانی وجود دارد. آزمون واریانس ناهمسانی در مدل‌ها انجام شد. براساس نتایج حاصل از انجام آزمون واریانس ناهمسانی، نسبت راست‌نمایی (LR^1) که دارای توزیع کای‌دو با درجه آزادی معادل تعداد مقاطع منهای یک است، در سطح اطمینان بالای ۰/۹۵ درصد، و سطح خطای ۵ درصد معنی‌دار است. بر اساس نتایج این آزمون، فرضیه H_0 یا همسانی واریانس جملات اختلال، رد شده و رگرسیون‌ها دارای ناهمسانی واریانس می‌باشند. به عبارتی، ناهمسانی واریانس تأیید می‌شود (جدول ۱)، که باید برای رفع آن براساس روش‌های موجود، اقدام نمود. برای رفع ناهمسانی واریانس، از روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) برای برآورد مدل‌های مورد نظر استفاده شده است (Gujarati, 2006). که بعد از برآورد

1. Likelihood-Ratio Test

با روش GLS و انجام آزمون ناهمسانی واریانس، مشخص گردید که مدل‌ها فاقد ناهمسانی واریانس می‌باشند. برآورد نهایی مدل‌ها، بعد از رفع ناهمسانی واریانس به شرح جدول ۲، می‌باشد. با توجه به اطلاعات متغیرها، آمار توصیفی کلی، میانگین، حداکثر، حداقل و انحراف معیار در جدول ۱، مشخص شده‌اند. تعداد مشاهدات، ۱۵۰ و تعداد مقاطع، ۱۰ کشور است.

جدول ۱. مقادیر میانگین، انحراف معیار، حداکثر و حداقل متغیرها و میانگین کشور ایران

متغیر	میانگین	ماکزیمم	مینیمم	انحراف معیار	جارك - برا	احتمال	میانگین ایران
کنترل فساد (CC)	-۰/۷۶	۱/۵۷	-۱/۴۶	۰/۶۳	۱/۹۶	۰/۳۸	-۰/۱۹
تعداد روبه‌های شروع کار (PRO)	۷۴/۸۲	۹۳/۴۵	۲۱/۵۳	۱۲/۲۹	۱/۰۲۶	۰/۴۱	۶۷/۳۷
آموزش (TEDU)	۳۲/۹۷	۶۹/۶۹	۹/۳۱	۱۵/۶۰	۰/۸۵	۰/۱۹	۵۱/۶۱
دسترسی به اعتبار (AC)	۴۷/۱۶	۹۶/۵۱	۱/۵۵	۲۲/۸۲	۶/۴۱	۰/۴۰۴	۵۴/۳۴
جذب فناوری (TA)	۴/۲۷	۵/۳۸	۳/۲۱	۰/۴۸	۱/۴۲	۰/۴۹	۴/۱۲
تولید ناخالص داخلی سرانه (GDPpc)	۱۴۱۲۰	۶۹۶۷۹	۲۳۶۳	۱۸۰۲۶	۰/۳۶	۰/۴۶	۶۴۰۱
کار آفرینی (NER)	۱/۱۰	۶/۲۶	۰/۰۰۰	۱/۲۱	۱/۴۵	۰/۴۶	۰/۳۲
کنترل فساد و تعداد روبه‌ها (CC*PRO)	-۱۰/۹	۱۲۷/۳	-۱۰۶/۲	۴۵/۳۱	۲/۰۵	۰/۳۶	-۴۹/۷۱
کنترل فساد و آموزش (CC*TEDU)	-۶/۴۸	۲۵/۳۵	-۶۵/۱۵	۱۷/۳۵	۲۳/۳	۰/۰۰۰	-۳۹/۰۱
کنترل فساد و دسترسی به اعتبار (CC*AC)	-۰/۵۲	۸۱/۰۷	-۶۶/۸	۲۴/۵۷	۲۳/۶	۰/۰۰۰	-۴۰/۷۴
کنترل فساد و جذب فناوری (CC*TA)	-۰/۴۶	۷/۷۵	-۲/۲۴	۲/۵۶	۹/۸۴	۰/۰۰۷	-۳/۰۳

منبع: یافته‌های تحقیق

بر اساس تجزیه و تحلیل داده‌ها در جدول ۱ و ۳، بیشترین کنترل فساد، مربوط به کشور قطر و

کمترین آن، مربوط به کشور عراق می‌باشد. بنابراین، کشورهایی که کنترل فساد بالاتر از میانگین را دارند، سطح فساد در آن کشورها، پایین‌تر خواهد بود، مانند کشور قطر. در ایران، میانگین کنترل فساد، تقریباً با میانگین کشورهای مناسبت‌تر است، به این معنی که کنترل فساد ایران در حد متوسط بوده و دارای سطح فساد متوسط است.

در مورد متغیر تعداد رویه‌ها، بیشترین مقدار، مربوط به کشور عمان و کمترین، مربوط به کشور عربستان است، که هرچه عدد کوچکتر باشد، تعداد رویه‌ها و هزینه‌های شروع کسب‌وکار کمتر بوده و شرایط برای کارآفرینی مناسب‌تر است. در ایران با توجه به میانگین، تعداد رویه‌ها، تقریباً از میانگین کمتر است.

متغیر دیگر آموزش، بیشترین مقدار مربوط به کشور عربستان و ایران است، به این معنی که سطح آموزش عالی بالا است و کمترین، مربوط به کشور قطر است. تقریباً تمام کشورها بجز قطر و عراق، از میانگین مناسبی برخوردار می‌باشند.

متغیر بعدی دسترسی به اعتبار است و دارای انحراف معیار بسیار بالایی (۲۲/۸۲۵) بوده که نشان دهنده اختلاف قابل توجه در بین این کشورها است. بیشترین مقدار مربوط به کشور قطر، که دسترسی به منابع مالی بالایی دارند و کمترین، مربوط به کشور عراق، که دسترسی به اعتبار محدود می‌باشد. البته با توجه به میانگین، اعتبارات داخلی به شرکت‌ها توسط نهادهای رسمی، مانند بانک‌ها، در میان این کشورها رو به افزایش است و ایران نیز در بین بقیه کشورها بجز قطر دارای میانگین بالایی است. آخرین نهاد رسمی، جذب فناوری است، که کمترین انحراف معیار (۰/۰۴۷۹۸) را دارد. میانگین جذب فناوری در بین کشورها، اختلاف چندانی نداشته و تا حدودی این متغیر در این کشورها رو به بهبود است. بیشترین مقدار جذب فناوری، مربوط به کشور قطر و کمترین، مربوط به کشور عراق می‌باشد. کشور ایران نیز دارای میانگین بالاتری نسبت به بقیه کشورها است. با توجه به متغیر رشد اقتصادی، تولید ناخالص داخلی سرانه با انحراف بسیار بالا در بین کشورها، متغیر است، به طوری که کشور قطر، بیشترین مقدار را نشان می‌دهد و دارای رشد اقتصادی بسیار بالا و کشور مراکش، کمترین مقدار و کمترین رشد اقتصادی را دارد. ایران نیز دارای میانگین بسیار پایینی (۱/۶۴۰) میلیارد دلار آمریکا) است. بنابراین، نرخ رشد اقتصادی در این منطقه بجز قطر، پایین است.

نرخ ورود جدید، میزان کارآفرینی است، که بیشترین مقدار، مربوط به کشور قطر است که میزان کارآفرینی در آن، گسترش داشته و کمترین، مربوط به کشور عراق می‌باشد. نتایج، نشان می‌دهد که، میانگین میزان کارآفرینی در بین کشورهای این منطقه بجز کشورهای قطر و عربستان، تاحدودی پایین است و بنابراین، میزان رشد اقتصادی با توجه به نرخ کارآفرینی نیز در این کشورها، متفاوت می‌باشد. همچنین با توجه به نتایج متغیرهای ترکیبی در جدول ۱ و ۳، تعامل کنترل فساد و تعداد

رویه‌های شروع کسب‌وکار، در کشور قطر، بیشترین تأثیر و در کشور عراق، که کنترل فساد پایین است، کمترین تأثیر را نشان می‌دهد.

تعامل کنترل فساد و آموزش، در عربستان، بیشترین تأثیر و در ایران، کمترین تأثیر را داشته است. تعامل کنترل فساد و دسترسی به اعتبار، در کشور قطر، بیشترین ولی در ایران، کمترین تأثیر را داشت. همچنین تعامل کنترل فساد و جذب فناوری در کشور قطر، بیشترین و در کشور عراق، کمترین تأثیر را داشت. نتایج تعامل کنترل فساد (نهاد غیررسمی) و نهادهای رسمی بر توسعه کارآفرینی در بین کشورها، بسیار متفاوت بوده، زیرا دارای انحراف معیار بالایی است.

به‌رحال این نتایج، نشانگر این است که در کشور قطر، تعامل کنترل فساد و نهادهای رسمی بر توسعه کارآفرینی تأثیرگذارتر بوده و به رشد اقتصادی بیشتر منجر شده‌است. با توجه به میانگین‌ها، می‌توان گفت که کنترل فساد در کشور ایران بسیار پایین بوده و در نتیجه، سطح فساد تقریباً بالا است. با توجه به نتایج جدول ۲، مدل اول، اثر مستقیم عوامل رسمی و غیررسمی بر توسعه کارآفرینی و در مدل‌های بعدی، اثر تعدیلی کنترل فساد و نهادهای رسمی بر توسعه کارآفرینی بررسی شد. کنترل فساد در کشورهای منافع مثبت و معنی‌دار در سطح ۵ درصد با ضریب ۰/۱۴ قابل توجه است. با یک واحد افزایش در کنترل فساد، ۰/۱۴ واحد، توسعه کارآفرینی، افزایش خواهد یافت. در کشوری که محیط نهادی دارای فساد کمتر، یا کنترل فساد بیشتر است، اغلب احتمال افزایش فعالیت‌های کارآفرینی وجود دارد اول، تنها متغیر جذب فناوری بر توسعه کارآفرینی، معنی‌دار نبوده‌است.

جدول ۲. نتایج مدل‌های پژوهش در توضیح توسعه کارآفرینی (NER)

متغیرها	مدل ۱		مدل ۲		مدل ۳		مدل ۴		مدل ۵	
	ضریب	آماره t	ضریب	آماره t	ضریب	آماره t	ضریب	آماره t	ضریب	آماره t
عرض از مبدأ	۱/۲۵۱ (۰/۱۵)	۱/۴۲ (۰/۸۸)	۱/۳۶ (۰/۰۰)	۱۴/۹۸ (۰/۰۸۴)	۱/۰۵ (۰/۳۱)	۱/۲۵ (۰/۸۵)	۱/۹۵ (۰/۰۳)	۲/۱۲ (۰/۹۲)	۱/۰۸۱ (۰/۰۷)	۱/۸۳ (۰/۵۹)
کنترل فساد (CC)	۰/۱۴۳ (۰/۰۰)	۱۲/۸۸ ۰/۰۱۱								
تعداد رویه‌ها (PRO)	-۰/۰۴ (۰/۰۰)	-۱۰/۵۴ ۰/۰۰۴			-۰/۰۳ (۰/۰۰)	-۸/۰۸ ۰/۰۰۳	-۰/۰۴ (۰/۰۰)	-۹/۵۳ ۰/۰۰۴	-۰/۰۳۴ (۰/۰۰)	-۹/۳۵ ۰/۰۰۳
آموزش (TEDU)	۰/۰۴۴ (۰/۰۰)	۸/۵۷۷ (۰/۰۰۵)	۰/۰۰۳ (۰/۰۰)	۶/۷۳ ۰/۰۰۰۴			۰/۰۱۸ (۰/۰۰)	۴/۱۳۰ ۰/۰۰۴	۰/۰۰۴ (۰/۴۳)	۰/۷۹ ۰/۰۰۵
دسترسی به اعتبار (AC)	۰/۰۱۷ (۰/۰۰)	۴/۱۶۳ ۰/۰۰۴	۰/۰۱۶ (۰/۰۰)	۳/۹۵ ۰/۰۰۴	۰/۰۲ (۰/۰۰)	۵/۸۷ ۰/۰۰۳			۰/۰۱۶ (۰/۰۰)	۴/۰۶۶ ۰/۰۰۴
جذب فناوری	۰/۰۱۰ (۰/۰۰)	۰/۰۵۰ (۰/۰۰)	۰/۰۰۸ (۰/۰۰)	۰/۳۸ (۰/۰۰)	۰/۰۱۱ (۰/۰۰)	۰/۰۴۷ (۰/۰۰)	۰/۰۵۴ (۰/۰۰)	۰/۲۲۸ (۰/۰۰)		

مدل ۵		مدل ۴		مدل ۳		مدل ۲		مدل ۱		مدل
		۰/۱۲۳۹	(۰/۰۸)	۰/۱۲۲	(۰/۹۶)	۰/۲۰۲	(۰/۷۰)	۰/۲۲۰	(۰/۹۶۰)	(TA)
۱۳/۷۰	۰/۰۰۵	۲/۲۳	۰/۰۱۰	۱۳/۰۴	۰/۰۰۵	-۱/۵۳	-۵/۷۴E	۱/۵۰۵	۰/۰۰۰۶	تولید ناخالص داخلی سرانه GDPpc
۰/۰۰۰۴	(۰/۰۰۰)	۰/۰۰۴	(۰/۰۲)	۰/۰۰۰۳	(۰/۰۰)	۳/۷۴E	(۰/۱۳)	۰/۰۰۰۴	(۰/۱۳۵)	کنترل فساد و تعداد رویه CC*PRO
						-۳/۴۲	-۰/۰۱			کنترل فساد و آموزش CC*EDU
				۸/۵۷۱	۰/۰۴۳					کنترل فساد و اعتبار CC*AC
		۴/۹۶	۰/۰۲۲							کنترل فساد و جذب فناوری CC*TA
		۰/۰۰۴	(۰/۰۰)							آزمون F لیمر
۳/۴۳۰	۰/۱۷۶									آزمون H هاسمن
۰/۰۵۱	(۰/۰۰)									ضریب تعیین R ²
۱۴/۹۴		۱۹/۶۱		۱۳/۸۴۴		۱۵/۴۰۵		۱۱/۸۳۵		تعداد مشاهدات
(۰/۰۰۰)		(۰/۰۰۰)		(۰/۰۰۰)		(۰/۰۰۰)		(۰/۰۰۰)		تعداد کشورها
۱۹/۲۷۴		۱۹/۸۷۰		۱۲/۳۲۱		۱۷/۹۱۱		۱۴/۲۵۴		آماره F
(۰/۰۰۱)		(۰/۰۰۱)		(۰/۰۳۰)		(۰/۰۰۳)		(۰/۰۲۷)		احتمال آماره F
-۰/۸۹		-۰/۸۹		-۰/۸۹		-۰/۸۹		-۰/۸۹		دوربین واتسون DW
۱۵۰		۱۵۰		۱۵۰		۱۵۰		۱۵۰		آزمون ناهمسانی احتمال LR
۱۰		۱۰		۱۰		۱۰		۱۰		
۸۳/۱۹		۶۶/۱۷۶		۷۵/۲۸۰		۸۲/۴۱۱		۷۱/۱۴۶		
(۰/۰۰۰)		(۰/۰۰۰)		(۰/۰۰۰)		(۰/۰۰۰)		(۰/۰۰۰)		
۱/۹۱		۱/۸۹		۱/۹۶		۱/۹۰		۲/۰۴		
۱۲۸/۷۵		۱۳۵/۲۵		۱۶۵/۳۶		۱۸۵/۲۲		۱۵۵/۰۶		
۰/۰۰۰		۰/۰۰۰		۰/۰۰۰		۰/۰۰۰		۰/۰۰۰		

منبع: یافته‌های تحقیق

طبق نتایج در مدل اول، تأثیر تعداد رویه‌های شروع کسب‌وکار بر توسعه کارآفرینی ($p < ۰/۰۵$)؛
 با علامت منفی، تأثیر آموزش و مهارت‌های کارآفرینی بر توسعه کارآفرینی ($\beta = -۰/۰۴۲$)؛ $p < ۰/۰۵$ ؛

با $\beta = 0/043$ ($p < 0/05$) علامت مثبت، تأثیر دسترسی به اعتبار بر توسعه کارآفرینی ($\beta = 0/017$; $p < 0/05$) علامت مثبت، معنی‌دار است؛ درحالی‌که تأثیر جذب فناوری بر توسعه کارآفرینی ($\beta = 0/01$; $p < 0/05$) علامت مثبت، ولی معنی‌دار نیست. تغییرات کلی توسعه کارآفرینی توسط متغیرهای مدل در حدود ۸۹ درصد توضیح داده شده‌است ($R^2 = 89\%$).

نتایج مدل‌های بعد، نیز نشان داد که، تأثیر تعامل نهادهای رسمی و غیررسمی (کنترل فساد، به عنوان تعدیلگر) بر توسعه کارآفرینی، تأثیر مثبت داشته‌است. همه ضرایب تعدیلی در سطح کمتر از ۵ درصد، معنی‌دار بوده‌اند. بنابراین، اهمیت کنترل فساد بر نهادهای رسمی، در ارتقاء توسعه کارآفرینی در این کشورها تأیید گردید. قدرت توضیح‌دهندگی این مدل‌ها با $R^2 = 89\%$ ، حاکی از یک رابطه قوی بین نهادهای رسمی و غیررسمی بر توسعه کارآفرینی است؛ به‌طوری‌که، در مدل ۲، اثر کنترل فساد و تعداد رویه‌های شروع کسب‌وکار بر توسعه کارآفرینی، منفی و معنی‌دار بوده و دارای ضریب بزرگتر از مدل ۱، و با توجه به ضرایب، نقش تأثیر کنترل فساد، بر توسعه کارآفرینی بیشتر بوده‌است. مدل اول ($\beta = -0/042$; $p < 0/05$) و مدل دوم، ($\beta = -0/011$; $p < 0/05$)، $R^2 = 89\%$ ، در مدل ۳، اثر کنترل فساد و آموزش بر توسعه کارآفرینی مثبت و معنی‌دار است.

یک سیستم آموزش عالی با تمرکز بر کنترل فساد، با احتمال بیشتری، کارآفرینی را در کشور افزایش خواهد داد. مدل اول ($\beta = 0/043$; $p < 0/05$) و مدل سوم، ($\beta = 0/044$; $p < 0/05$)، $R^2 = 89\%$ ، مدل ۴، نیز نشان داد که تعامل کنترل فساد و دسترسی به اعتبار، از طریق بانک‌های دولتی، تأثیر مثبت و معنی‌داری بر توسعه کارآفرینی در این کشورها داشته‌است و با مطالعات گذشته، مطابقت دارد. این نتیجه، حاکی از آن است که کارآفرین تمایل دارد، برای تأمین منابع مالی خود، از منابع بانک‌ها و نهادهای رسمی استفاده کند.

در مدل اول که ضریب کوچکتر است، کارآفرین، منابع مالی خود را احتمالاً از خانواده و یا شبکه‌های اجتماعی کسب خواهد کرد (Ho and Wong, 2007). از طرفی، ممکن است برای تأمین مالی خود، به صندوق سرمایه‌گذاری پرخطر و سرمایه‌گذاران دولتی روی آورد (Aidis et al., 2012). مدل اول ($\beta = 0/017$; $p < 0/05$) و مدل چهارم ($\beta = 0/022$; $p < 0/05$)، $R^2 = 89\%$ ، همچنین مدل ۵، نشان داد که تعامل کنترل فساد و جذب فناوری، تأثیر قابل توجهی بر توسعه کارآفرینی در کشورهای منا داشته‌است. در مدل اول، ارتباط جذب فناوری در این کشورها بر توسعه کارآفرینی در این کشورها، معنی‌دار نبود. البته در تعامل با کنترل فساد، این ارتباط مثبت و معنی‌دار شده‌است.

بنابراین، با توجه به شرایط مناسب جذب فناوری (فناوری مدرن و اطلاعات مربوط به فناوری مدرن که اصولاً خارج از دسترس این کشورها است) تأثیرگذار خواهد بود، و احتمال دارد، کارآفرینان در کنار جذب فناوری، برای کاهش هزینه‌های خود در فعالیتهای جدید، از فناوری‌های کشورهای

توسعه‌یافته، کپی‌برداری کنند (Minniti and Lévesque, 2010).

در مدل پنجم، ارتباط مثبت و معنی‌دار، حاکی از آن است که فعالیت‌های جدید تجاری مبتنی بر فناوری با توجه به کنترل فساد، اثر بیشتری بر کارآفرینی داشته‌است. طبق مطالعات قبلی، هرچه ضریب کنترل فساد بیشتر باشد، این ارتباط مثبت، قوی‌تر خواهد بود (Anokhin and Schulze, 2009; Turró et al., 2014). مدل اول ($\beta = 0/01$ ؛ $p = 0/95$) و مدل پنجم، ($\beta = 0/17$ ؛ $p < 0/05$ ؛ $R^2 = 0/89$).

ضریب تولید ناخالص داخلی سرانه، در مدل اول، مثبت ولی معنی‌دار نبود، در حالی که در مدل‌های بعدی، ضرایب مثبت و معنی‌دار هستند، به طوری که افزایش یک واحد کنترل فساد در آموزش، $0/05$ واحد، افزایش یک واحد کنترل فساد در دسترسی به اعتبار، $0/01$ واحد و افزایش یک واحد کنترل فساد در جذب فناوری، $0/04$ واحد، تولید ناخالص داخلی سرانه بر کارآفرینی، تأثیر مثبت خواهد داشت.

بنابراین، می‌توان نتیجه‌گرفت که کنترل فساد بر نهادهای رسمی، تأثیر مثبت داشته و موجب افزایش تولید سرانه و توسعه کارآفرینی در کشورهای منا می‌شود، که مطابق با ادبیات گذشته است. مقایسه مدل اول با مدل‌های بعدی، نشان داد که با توجه به تأثیر عامل کنترل فساد بر عوامل رسمی، مدل‌های بعدی، دارای چهارچوب مناسب‌تری هستند. بنابراین، ۵ فرضیه تحقیق طبق نتایج حاصله، تأیید شدند. آمار توصیفی، میانگین، حداکثر و حداقل متغیرها به تفکیک کشورها، در جدول (۳) آمده است.

جدول ۳. آمار توصیفی کلی متغیرها در کشورهای منتخب (۲۰۱۹-۲۰۰۵)

متغیر / کشور	توصیفی	الجزایر	ایران	اردن	مراکش	عمان	قطر	عربستان	تونس	ترکیه	عراق
کارآفرینی NER	میانگین	۰/۲۵۲۶	۰/۳۲۰۸	۰/۶۵۲۶	۱/۱۰۹۳	۱/۷۰۲۶	۴/۱۰۴۶	۰/۳۷۴۰۰	۱/۴۴۰۶	۰/۹۲۲۶	۰/۱۴۳۳
	ماکزیمم	۰/۳۷۰۰	۰/۴۱۰۰	۰/۸۱۰۰	۱/۸۱۰۰	۲/۱۲۸۰۰	۶/۲۶۰۰	۰/۵۰۰۰	۱/۶۸۰۰	۱/۵۶۰۰	۰/۲۵۰۰
	مینیمم	۰/۱۳۰۰	۰/۰۴۰۰	۰/۵۳۰۰	۰/۲۲۰۰	۱/۱۱۰۰	۲/۵۶۰۰	۰/۲۱۰۰	۰/۹۲۰۰	۰/۳۹۰۰	۰/۰۰۰۰
	انحراف	۰/۰۸۶۶	۰/۰۸۸۴	۰/۰۹۰۹	۰/۵۶۶۷	۰/۳۵۹۰	۱/۲۶۰۷	۰/۱۰۴۲	۰/۲۳۷	۰/۳۷۶۸	۰/۰۶۲۸
کنترل فساد CC	میانگین	-۰/۳۷۹۹	-۰/۱۹۸۱	-۰/۱۹۰۱	-۰/۳۱۵۷	-۰/۳۹۳۹	-۰/۹۵۹۰	-۰/۳۱۹	-۰/۱۳۴۲	-۰/۰۴۴۱	-۱/۳۴۹۵
	ماکزیمم	-۰/۶۲۰۳	-۰/۸۸۵۳	-۰/۳۵۶۸	-۰/۴۰۸۴	-۰/۵۱۵۳	-۱/۵۶۷۱	-۰/۳۶۳۸	-۰/۰۶۷۰	-۰/۱۵۷۷	-۱/۱۷۰۶
	مینیمم	-۰/۶۷۷۸	-۰/۹۵۸۸	-۰/۴۱۶	-۰/۴۳۶۷	-۰/۱۳۹۵	-۰/۶۷۷۷	-۰/۳۰۵۰	-۰/۳۰۳۹	-۰/۳۳۵۳	-۱/۴۶۲۲
	انحراف	۰/۵۱۸۹	۰/۷۴۹۱	۰/۰۹۳۵	۰/۲۲۳۵	۰/۰۹۷۱	۰/۲۵۵۵	۰/۲۰۸۸	۰/۱۰۶۶	۰/۱۵۶۳	۰/۰۸۶۶
تعداد رویه‌ها PRO	میانگین	۷۴/۲۱۷	۶۷/۳۷۲	۷۴/۵۰۱	۸۵/۸۶۴	۶۸/۷۳	۸۱/۳۵	۶۴/۵۷۳	۸۱/۳۶۰	۸۱/۱۴۸	۶۹/۱۲۴
	ماکزیمم	۷۸/۰۴۰	۷۱/۴۳۱	۸۵/۰۴	۹۲/۹۸۸	۹۳/۴۵	۸۵/۹۹	۸۰/۰۶۸	۸۸/۵۰۵	۸۸/۲۱۳	۷۶/۵۴۷
	مینیمم	۷۰/۵۲۹	۶۳/۲۹۷	۴۱/۷۳	۶۱/۵۷۱	۴۶/۷۱	۷۶/۸۵	۲۱/۵۳۱	۷۸/۷۱۶	۷۹/۰۸۲	۵۷/۴۶۵
	انحراف	۲/۱۳۳۰	۲/۳۴۰۳	۱/۶۲	۷/۴۲۵۷	۱/۶۳۷	۲/۲۲۳	۲/۱۰۴۴	۲/۲۶۷۴	۲/۱۱۱۸	۵/۵۹۴۲
آموزش TEDU	میانگین	۳۴/۱۰۱	۵۱/۵۱۲	۳۷/۰۴	۳۱/۷۵۵	۲۹/۶۳	۱۳/۶۹	۴۸/۱۲۶	۳۳/۷۴۸	۴۱/۹۳۱	۱۸/۱۴۱
	ماکزیمم	۵۱/۳۶۵	۶۹/۶۳۵	۴۱/۸۲	۳۵/۹۳۵	۴۴/۰۵	۱۷/۸۷	۶۹/۶۹۸	۳۵/۸۷۷	۶۳/۵۰۰	۲۰/۲۶۹
	مینیمم	۲۰/۸۷۲	۲۳/۸۰۲	۳۱/۱۴	۱۱/۷۸۹	۱۸/۴۹	۹/۳۱۴	۲۹/۵۴۲	۳۱/۷۴۶	۲۳/۳۴۴	۱۶/۱۲۹
	انحراف	۹/۸۴۵۱	۱۶/۷۵۲	۳/۰۰۹	۹/۲۱۰۱	۸/۵۰۳	۳/۱۶۷	۳/۱۲۴۱	۱/۵۶۹۰	۱/۶۲۴۱	۱/۵۶۹۰
دسترسی به اعتبار AC	میانگین	۱۷/۶۰۴	۵۴/۳۴۴	۷۶/۵۲	۶۲/۰۹۰	۵۰/۶۱	۵۴/۱۷	۴۴/۲۴۶	۵۸/۳۶۳	۴۷/۷۵۴	۵/۸۷۱۷
	ماکزیمم	۲۶/۰۶۰	۶۹/۷۴۵	۹۰/۳۴	۷۱/۵۴۵	۷۶/۴۶	۹۶/۵۲	۵۸/۱۱۴	۶۸/۵۵۵	۶۶/۴۴۵	۵/۵۹۹۷

متغیر/ کشور	توصیفی	الجزایر	ایران	اردن	مراکش	عمان	قطر	عربستان	تونس	ترکیه	عراق
جذب فناوری TA	مینیم	۱۱/۸۴۷	۳۸/۳۴۸	۶۷/۵۳	۴۲/۹۳۸	۳۰/۶۴	۳۳/۷۲	۳۳/۷۲۴	۴۷/۹۶۰	۲۱/۴۲۰	۱/۵۵۱۸
	انحراف	۵/۱۳۰۷	۹/۸۴۲۵	۷/۴۰۲	۷/۹۵۴۳	۱۷/۰۶	۲۰/۳۰	۹/۲۳۲۴	۷/۶۲۵۰	۱۶/۲۲۴	۳/۸۳۹۰
	ماکزیم	۳/۸۹۴۹	۴/۱۱۷۱	۲/۲۵۸	۴/۱۳۰	۴/۴۳	۵/۰۶۳	۴/۸۷۲۱	۴/۳۲۶۴	۴/۳۰۶۲	۳/۴۰۴۵
تولید ناخالص داخلی سرانه GDPpc	مینیم	۴/۰۸۱۱	۴/۲۵۷۱	۴/۳۷۲	۴/۳۱	۴/۳۰۹	۴/۵۵۵	۴/۱۲۳	۴/۱۹۴۸	۴/۶۵۰۳	۳/۷۸۵۲
	انحراف	۳/۷۱۲	۲/۰۲۸	۴/۱۸۶	۴/۰۳۰۹	۰/۰۶۳	۰/۱۵۸	۰/۲۷۶	۰/۳۲۶۱	۰/۲۹۴۷	۰/۱۴۵۷
	ماکزیم	۴۵۷/۱۸	۶۴۰/۱۳	۳۴۰/۰	۲۹۶/۰۲	۰/۱۷۰	۰/۶۵۱	۰/۲۰۲۸	۴۱/۰۵۹	۰/۱۲۲۰	۴۹۸/۴۳
کنترل فساد و تعداد رویهها CC* PRO	مینیم	۴۸۳/۰۱	۶۹۶۹/۹	۳۷۹/۱	۰/۳۹۶	۰/۱۸۹	۰/۶۹۶	۰/۲۱۳۹	۴۰/۸۳	۰/۱۵۰۶	۵۹۳/۰۹
	انحراف	۴۲۹/۰۵	۵۷۳۵/۶	۳۲۶/۱	۳۳۵۶/۴	۰/۱۴۹	۰/۶۱۶	۰/۱۸۸۸	۳۴۹/۰۶	۹۶۹۲/۱	۳۸۶۹/۹
	ماکزیم	۱۸۷/۱۷	۳۸۹/۸۸	۱۹۸/۱	۳۳۴/۸۱	۱۲۲/۱	۲۱۷/۱	۸۶۴/۳۷	۲۷۶/۳۵	۱۹۵/۴۵	۶۴۲/۰۰
کنترل فساد و دسترسی به اعتبار CC* AC	مینیم	۳۴/۰۱	-۳۰/۵۶	-۲۲/۵۶	-۱/۱۷۳	۲۴/۴۷	۱۲۷/۳	۲۸/۹۶	۳/۰۰۸	۱۲/۸۴۵	-۷۴/۴۶
	انحراف	-۵/۱۹۱	-۶۷/۶۵	۳/۴۰۴	-۳۷/۷۳	۹/۵۹۰	۵۵/۳۱	-۲۲/۲۱	-۲۴/۱۶	-۲۷/۲۷	-۱۰/۶۲
	ماکزیم	۱۱/۸۲۱	۶/۲۷۵	۸/۴۷۷	۷/۷۷۴	۲۰/۴۴	۱۴/۵۰۲	۷/۳۹۶	۱۲/۸۶۷	۱۲/۸۶۷	۱۱/۲۱۵
کنترل فساد و آموزش CC* TEDU	مینیم	-۱۹/۸۵	-۱۳۹/۰۲	۷/۰۱۶۹	-۵/۶۳۹۱	۸/۳۷۰۱	۱۲/۵۷۱	۴/۶۹۲۹	-۴/۸۰۳۶	-۳/۷۹۳	-۲۴/۳۹۳
	انحراف	-۱۰/۰۶۴	۱۱/۴۹۰	۱۴/۶۵۲	-۲/۹۸۵۰	۱۴/۹۵۵	۱۶/۱۳۳	۲۵/۳۵۷	-۱/۳۰۲۲	۶/۳۸۴۸	-۲۲/۲۰۰
	ماکزیم	-۳۲/۶۹۲	۶۵/۱۵۰	۱/۵۳۰۰	-۸/۴۹۵۱	۳/۷۶۸۴	۸۰/۸۱۳	-۱۲/۳۲۸	-۱۰/۲۵۵	-۲۰/۷۴۰	-۲۶/۸۰۷
کنترل فساد و دسترسی به اعتبار CC* TA	مینیم	۱۴/۸۱۱	-۴۰/۷۴۳	-۱۸/۵۱۳	۲۸/۳۶۰	-۸/۲۹۱۷	۲۵/۹۵۴	۸۱/۰۷۵	۲۰/۱۲۶۲	۲/۳۲۶۶	-۲/۱۳۲۲
	انحراف	۳/۹۰۸۲	۱۳/۸۸۳	۲/۹۶۷۵	-۶۶/۸۶۹	۲/۹۶۷۵	-۳/۱۳۴۷	۵/۳۳۸۲	۲۴/۰۲۶	-۱/۴۰۱	-۱۳/۳۱۴
	ماکزیم	۲/۲۲۷۷	-۳/۰۳۱۱	۰/۸۱۳۰	-۱/۱۸۹۹	۶/۸۹۵۰	۷/۹۵۷۱	۱۳/۸۸۳	۱۰/۱۰۴۷	۱۰/۱۰۴۷	۳/۹۱۹۵
کنترل فساد و جذب فناوری CC* TA	مینیم	-۱/۷۸۹۹	-۱/۹۴۴۸	۱/۵۵۷۶	-۰/۵۴۴۸	۲/۳۴۶۶	۷/۷۵۰۷	۱/۸۶۰۳	-۱/۴۶۱	-۱/۷۰۲۳	-۳/۹۶۵۱
	انحراف	-۲/۶۹۸۰	-۲/۹۵۸۷	-۱/۷۲۲	-۱/۸۱۱۳	۰/۶۴۷۳	۳/۱۳۷۱	-۱/۵۷۶۴	-۱/۳۹۲۵	-۱/۴۲۱۹	-۵/۲۴۵۴
	ماکزیم	۰/۱۳۷۷۹	۰/۶۸۶۴	۰/۴۰۶۸	۰/۴۱۵۸	۰/۴۲۸۶	۱/۳۳۶۸	۱/۰۲۷۲	-۰/۴۳۰۸	۰/۶۷۸۸	۰/۳۸۰۸

منبع: یافته‌های تحقیق

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

از آنجایی که کارآفرینی محرک اصلی رشد و توسعه اقتصادی است، به نظر می‌رسد، که متغیرهای نهادی در تقویت کارآفرینی، یک پدیده قابل توجه بوده و برای توسعه کارآفرینی نیازمند بسترسازی زیربنایی، از جمله، رفع موانع نهادی، بهبود و اصلاح محیط کسب‌وکار، کاهش بار قوانین اضافی، تمرکز بر آموزش عالی و مهارت‌های کارآفرینی، تدوین بسته‌های حمایتی مالی و غیرمالی (جذب فناوری) است (Urbano et al., 2019; Levie & Autio, 2011).

این پژوهش، با استفاده از داده‌های پانل در دوره ۲۰۱۹-۲۰۰۵ برای ۱۰ کشور الجزایر، ایران، عمان، قطر، عربستان سعودی، ترکیه، تونس، اردن، مراکش و عراق، به بررسی متغیرهای نهادی غیررسمی و رسمی (کنترل فساد، تعداد رویه‌های شروع کسب‌وکار، آموزش و مهارت‌های کارآفرینی، دسترسی به اعتبار و جذب فناوری)، با ایجاد یک الگوی مفهومی اقتصاد نهادی نورث و طبق چهارچوب

گنیوالی و فوکل (Gnyawali & Fogel, 1994)، با توجه به ابعاد مشخصی چون، تعداد رویه‌های دولتی، آموزش و مهارت‌های کارآفرینی، دسترسی به منابع مالی و غیرمالی است، که می‌توانند بر توسعه کارآفرینی تأثیر بگذارند، پرداخت. نتایج تحقیق، اهمیت عوامل نهادی را بر توسعه کارآفرینی، که با کنترل فساد همراه بود را بیشتر نمایان کرد.

کنترل فساد، نشان داد، که می‌تواند، ناظری بین نهادهای رسمی و کارآفرینی باشد. اگر نهادهای رسمی، با کنترل فساد همراه باشند، به احتمال زیاد، بر توسعه کارآفرینی در کشورهای منا، تأثیرگذارتر خواهند بود. متغیرهای آموزش، دسترسی به اعتبار، جذب فناوری و تولید ناخالص داخلی سرانه بر توسعه کارآفرینی و رشد اقتصادی تأثیر مثبت و معنی‌داری دارند. همچنین متغیر تعداد رویه‌های شروع کسب‌وکار، طبق تئوری، دارای ارتباط منفی و معنی‌دار بوده و بر توسعه کارآفرینی، اثر مثبت خواهد داشت. در دسترس بودن منابع و حمایت مالی، از مهم‌ترین ارکان شروع و رشد سرمایه‌گذاری کارآفرینان است، که با دسترسی به اعتبار، آنها قادر به تحقق ایده‌های خود بوده و در نتیجه، توسعه کارآفرینی افزایش می‌یابد.

دسترسی به اعتبار بانکی و سایر منابع مالی به افزایش امید در کارآفرینی و در نتیجه، رشد اقتصادی منجر می‌شود. تولید ناخالص داخلی سرانه، با توجه به کنترل فساد، تأثیر بیشتری بر توسعه کارآفرینی دارد. بنابراین با افزایش تولید ناخالص داخلی سرانه، امکان ایجاد کسب‌وکارهای جدید، افزایش یافته و به رشد اقتصادی منتهی خواهد شد.

این نتایج، با مطالعه کلایپر و همکاران (Klapper *et al.*, 2006)، بورونسکو و همکاران (Bjørnskov *et al.*, 2013)، استرین و همکاران (Estrin *et al.*, 2013)، یوربانو و آوارز (Urbano & Alvarez, 2014)، فرناندز-سرانو و رومرو (Fernández-Serrano and romer, 2014)، آونیملچ و همکاران (Avnimelech *et al.*, 2014)، کاستانو-مارتینز و همکاران (Castaño-Martínez *et al.*, 2015)، آپاریچو و همکاران (Aparacio *et al.*, 2016)، ایزلی و همکاران (Eesley *et al.*, 2018)، چوداری و همکاران (Chowdhury *et al.*, 2019) و غورا و همکاران (Ghura *et al.*, 2019) و مشهدی‌احمد و همکاران (۱۳۹۸)، شیراوند و همکاران (۱۳۹۸)، مودتی و همکاران (۱۳۹۷)، کاکه‌براتی و همکاران (۱۳۹۶) و صباحی و همکاران (۱۳۹۲)، سازگار است.

با توجه به نتایج حاصله از این پژوهش، می‌توان گفت که کنترل فساد، عامل مؤثری بر میزان کارآفرینی است، به طوری که کنترل فساد به تنهایی بر کارآفرینی، تأثیر مثبت و معنی‌دار داشته ولی با هر کدام از عوامل نهادی رسمی، این اثر بیشتر بوده است. همان طور که نتایج نشان داد، آموزش و جذب فناوری با توجه به کنترل فساد، بیشترین تأثیر را بر توسعه کارآفرینی داشت. البته میزان تأثیرگذاری در بین این کشورها، متفاوت بوده، به طوری که کشور قطر، تقریباً بیشترین تأثیر و کشور

عراق، تقریباً کمترین تأثیر را بر میزان کارآفرینی داشته‌است. این موضوع نشان می‌دهد، دولت‌ها در اقدام به سیاست‌های لازم برای بهبود فضای کسب‌وکار عملکرد مناسبی نداشته‌اند، به طوری که قوانین و مقررات مزاحم و دست‌وپاگیر کماکان در اقتصاد کشور به چشم می‌خورد. همچنین، نهادهای رسمی، برای حمایت از سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی، تلاش چندانی نداشته‌اند.

از طرفی، فرار سرمایه‌های داخلی و خارجی از بازار اقتصادی و اعمال تحریم‌های نفتی، در کاهش توانایی کشور در فعالیتهای اقتصادی، می‌تواند بسیار تأثیر بگذارد. با این حال، کشور ایران در میان دیگر کشورهای منا، از نظر دسترسی به منابع مالی و غیرمالی، از جایگاه مناسبی برخوردار نبوده و این موضوع، می‌تواند دلیلی برای پایین بودن رتبه آن در بین دیگر کشورهای منطقه باشد.

به منظور تحقق بهبود توسعه کارآفرینی، پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

با توجه به ضریب منفی و معنی‌دار تعداد رویه‌های شروع کسب‌وکار و کاهش تعداد رویه‌ها، توسعه کارآفرینی در کشورهای منا، تقریباً در حال افزایش است. بنابراین، با کنترل فساد، به منظور ایجاد بستری مناسب برای توسعه بیشتر فعالیتهای کارآفرینی، موانع موجود شروع کسب‌وکار جدید، مانند: زمان لازم برای اخذ مجوز و بوروکراسی اداری، برطرف شده، و تعداد رویه‌های شروع کسب‌وکار، کاهش یافته و کارآفرین، ترغیب به سرمایه‌گذاری جدید خواهد شد.

سیاست‌گذاران می‌توانند، با اصلاح متغیرهای نهادی، اصلاح رویه‌های بوروکراتیک، کاهش ساختارهای ناهمگون و پیچیده بوروکراسی، فساد اداری را کنترل نمایند، تا با ایجاد نهادهای با کیفیت بالا (دارای شرایط خوب مانند تعداد کم رویه‌ها و زمان اندک لازم برای ایجاد یک تجارت جدید)، هزینه معامله را برای کارآفرینان کاهش داده و بر فعالیتهای آنان تأثیر گذاشته و موجب رشد کارآفرینی و در نتیجه، رشد تولید سرانه و رشد اقتصادی شوند. همچنین با افزایش سطح آموزش عالی و مهارت‌های کارآفرینی، می‌توان از طریق کنترل فساد، در جهت توسعه آموزش‌های لازم برای راه‌اندازی کسب‌وکارهای جدید و برنامه‌های آموزشی و تحقیقاتی کارآفرینی که به افزایش تولید سرانه و کارآفرینی در این کشورها منجر می‌گردد، قدمی در جهت توسعه کارآفرینی و رشد اقتصادی برداشت.

از طرف دیگر، با برقراری کنترل فساد، محدودیتهای بازارهای مالی، تجارت و سرمایه‌گذاری کاهش یافته و کارآفرینی افزایش می‌یابد. تأثیر مثبت و معنی‌دار کنترل فساد و جذب فناوری، بر توسعه کارآفرینی، بیانگر این است که می‌توان با ایجاد بستری مناسب برای توسعه تکنولوژیکی و زیرساخت‌ها از جمله اطلاعات و ارتباطات و زیرساخت‌های اقتصادی، از طریق کمک‌های غیرمالی در جذب فناوری، کارآفرین را ترغیب کرد تا به فناوری جدید روی آورده و با تولید محصول جدید، به توسعه کارآفرینی و رشد اقتصادی در کشور کمک شود. همچنین این شاخص، بیشترین تأثیر را بر

توسعه کارآفرینی در منطقه داشته‌است.

این پژوهش پیامدهایی نیز دارد: اول، رابطه اقتصاد نهادی و تأثیر بیشتر عوامل نهادی را بر توسعه کارآفرینی نشان داده‌است؛ دوم، با ایجاد یک چهارچوب مناسب، نشان داد که کیفیت نهادی، احتمال افزایش کارآفرینی را بیشتر می‌کند؛ سوم، سیاست‌گذاران که به ارتقاء کارآفرینی معتقدند، برای اصلاح شرایط کارآفرینی، رفع موانع برنامه‌های مالی، آموزش عالی و مهارت‌های کارآفرینی، جذب فناوری، ایجاد مقررات، در نظر گرفتن مشوق‌ها و جوایز کارآفرینی، می‌توانند، از طریق کنترل فساد، به تقویت کارآفرینی، رشد و توسعه اقتصادی در کشورهای خود مدد رسانند. تغییرات اصلاحی در نهادهای رسمی، بدون در نظر گرفتن اصلاحات در نهادهای غیررسمی، مانند کنترل فساد، امکان پذیر نخواهد بود (Dvouletý & Blažková, 2018). بنابراین، با کنترل فساد و ایجاد مؤسسات نهادی حمایت از کارآفرینان، می‌توان کارآفرینی را افزایش داد و برای توسعه کشور در نیل به اهداف سند چشم‌انداز، الگوی اسلامی-ایرانی در گام دوم انقلاب، قدمی برداشت.

توصیه می‌شود، محققان بعدی از متغیرهای دیگر مانند، متغیرهای زیست‌محیطی و فرهنگی، در کشورها و دیگر مناطق جهان، که احتمال فساد در آنها وجود دارد، در تحقیقات خود استفاده کنند.

سپاسگزاری مالی

این پژوهش هیچگونه کمک‌هزینه خاصی، از هیچ مؤسسه سرمایه‌گذاری بخش عمومی، تجاری یا غیرانتفاعی، دریافت نکرده‌است.

اعلام تعارض منافع

نویسندگان این پژوهش، اعلام می‌دارند که در این تلاش تحقیقی هیچ نوع تعارض منافی وجود ندارد.

منابع و مآخذ

- سوری، علی (۱۳۹۲). *اقتصاد سنجی*. چاپ هفتم، انتشارات فرهنگ شناسی.
- شاگری، محبوبه؛ جعفری صمیمی، احمد و کریمی، زهرا (۱۳۹۴). ارتباط بین متغیرهای نهادی، رشد اقتصادی و معرفی شاخص نهادی جدید برای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا. *فصلنامه رشد اقتصادی*، سال ۶، شماره ۲۱، زمستان: ۱۰۶-۹۳.
- شیراوند، فاطمه؛ محمدی خیاره، محسن؛ مطهری، رضا و توماج، عبدالسعید (۱۳۹۸). بررسی تأثیر عوامل نهادی رسمی و غیررسمی بر کارآفرینی و نتیجه آن بر رشد اقتصادی: شواهدی از کشورهای منا (۲۰۱۵-۲۰۰۸). *تحقیقات اقتصادی*، دوره ۵۴، شماره ۱، بهار: ۲۳۳-۲۰۹.
- صباحی، احمد؛ ناجی میدانی، علی اکبر و سلیمانی، الهه (۱۳۹۲). بررسی اثر کارآفرینی بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب. *فصلنامه علمی پژوهشی، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، سال سوم، شماره ۱۱، تابستان: ۱۸-۹.
- کاکه‌براتی، اسماعیل؛ دل‌انگیزان، سهراب و سهیلی، کیومرث (۱۳۹۶). فساد اداری و تأثیر آن بر توسعه کارآفرینی در ۷۹ کشور منتخب عضو مؤسسه دیده‌بان جهانی کارآفرینی برای دوره (۲۰۱۵-۲۰۱۱). *فصلنامه علمی- پژوهشی مدیریت سازمان‌های دولتی*، دوره ۶، شماره ۱، زمستان: ۱۴۲-۱۳۱.
- مرکز آمار ایران، *حساب‌های ملی ایران، حساب‌های منطقه‌ای، تهران: مرکز آمار ایران*، دفتر حساب‌های اقتصادی.
- مشهدی احمد، محمود و اورعی، رینا (۱۳۹۸). بررسی رابطه دوسویه نهادها و کارآفرینی. مرکز بررسی استراتژیک ریاست جمهوری. دوره ۹، شماره ۳۲، پاییز: ۴۳-۲۴.
- مودتی، مهدیه؛ معمارنژاد، عباس؛ محمودزاده، محمود و ترابی، تقی (۱۳۹۷). عوامل نهادی رسمی و غیررسمی، کارآفرینی فرصت‌گرا و رشد اقتصادی به روش گشتاور تعمیم‌یافته. *توسعه کارآفرینی*. دوره ۱۱، شماره ۳، پاییز: ۵۳۹-۵۲۱.
- Acemoglu, D. & Robinson, J.A. (2006). Economic backwardness in political perspective. *American Political Science Review*, 100(1): 115-131.
- Acemoglu, D. & Robinson J. A. (2008). The persistence and change of institutions in the Americas. *Southern Economic Journal*, 75(2): 282-301.
- Acs, Z.J. & Szerb, L. (2007). Entrepreneurship, economic growth and public policy. *Small business economics*. 28(2-3): 109-122.
- Acs, Z.J.; Desai, S. & Hessels, J. (2008a). Entrepreneurship, economic development and institutions. *Small Business Economics*, 31(3): 219-234.
- Aidis, R.; Estrin, S. & Mickiewicz, T. (2008). Institutions and entrepreneurship development in Russia: A comparative perspective. *Journal of Business Venturing*. 23(6) : 656-672.
- Aidis, R.; Estrin, S. & Mickiewicz, T.M. (2012). Size matters: entrepreneurial

- entry and government. *Small Business Economics*, 39(1): 119-139.
- Aidt, T.S. (2009). Corruption, institutions, and economic development. *Oxford Review of Economic Policy*, 25(2): 271-291.
- Álvarez, C. & Urbano, D. (2011). Environmental factors and entrepreneurial activity in Latin America. *Academia. Revista Latinoamericana de Administración* 48: 31- 45.
- Álvarez, C.; Urbano, D. & Amorós, J.E. (2014). GEM research: Achievements and challenges. *Small Business Economics*, 42(3): 445-465.
- Anokhin, S. & Schulze, W.S. (2009). Entrepreneurship, innovation, and corruption. *Journal of Business Venturing*, 24(5): 465-476.
- Aparicio, S.; Urbano, D. & Audretsch, D. (2016). Institutional factors, opportunity entrepreneurship and economic growth: Panel data evidence. *Technological Forecasting and Social Change*, 102(C): 45- 61.
- Aslasksen, S. (2010). Oil and Democracy-More than a Cross-Country Correlation?. *Journal of Peace Research*, Vol. 47(4): 421-431.
- Audretsch, D. B.; Bönte, W. & Keilbach, M. (2008). Entrepreneurship capital and its impact on knowledge diffusion and economic performance. *Journal of business venturing*, Vol. 23, No. 6: 687-698.
- Audretsch, D.B. & Belitski, M. (2016). Entrepreneurial ecosystems in cities: establishing the framework conditions. *The Journal of Technology Transfer*, 42(5): 1030-51.
- Autio, E. & Acs, Z. (2011). Intellectual property protection and the formation of entrepreneurial growth aspirations. *Strategic Entrepreneurship Journal*, 4(3): 234-251.
- Avnimelech, G.; Zelekha, Y. & Sharabi, E. (2014). The effect of corruption on entrepreneurship in developed vs non-developed countries. *International Journal of Entrepreneurial Behaviour & Research*, 20(3): 237-262.
- Baumol, W.J. (1990). Entrepreneurship: Productive, unproductive, and destructive. *Journal of Political Economy*, 98(5, Part 1): 893-921.
- Baumol, W.J. & Strom, R.J. (2007). Entrepreneurship and economic growth. *Strategic Entrepreneurship Journal*, 1(3-4): 233-237.
- Bjørnskov, C. & Foss, N. (2013). How strategic entrepreneurship and the institutional context drive economic growth. *Strategic Entrepreneurship Journal*, 7(1): 50-69.
- Bjørnskov, C. and Foss, N. J. (2016). Institutions, entrepreneurship, and economic growth: What do we know and what do we still need to know?. *The Academy of Management Perspectives*, Vol. 30, No. 3: 292-315.
- Boettke, P.J. and Coyne, C.J. (2009). Context matters: institutions and entrepreneurship. *Foundations and Trends® in Entrepreneurship*, 5(3): 135-209.
- Bowen, H.P. & De Clercq, D. (2008). Institutional context and the allocation of entrepreneurial efforts. *Journal of International Business Studies*, 39(4): 747- 767.
- Bruton, G.D.; Ahlstrom, D. & Obloj, K. (2008). Entrepreneurship in emerging

- economies: Where are we today and where should the research go in the future. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 32(1): 1-14.
- Castaño, M.S.; Méndez, M.T. & Galindo, M.Á. (2015). The effect of social, cultural, and economic factors on entrepreneurship. *Journal of Business Research*, 68(7): 1496-1500.
- Chang, C. P. & Hao, Y. (2017). Environmental performance, corruption and economic growth: global evidence using a new data set. *Applied Economics*, 49 (5): 498-514 .
- Chowdhury, F.; Audretsch, D. B. & Belitski, M. (2015). Does corruption matter for international entrepreneurship?. *International Entrepreneurship and Management Journal*, 11(4): 959-980.
- Chowdhury, F.; Audretsch, D. B., & Belitski, M. (2019). Institutions and entrepreneurship quality, *Entrepreneurship Theory and Practice*. 43(1): 51-81.
- De Clercq, D.; Danis, W.M. & Dakhli, M. (2010). The moderating effect of institutional context on the relationship between associational activity and new business activity in emerging economies. *International Business Review*, 19(1): 85-101.
- Doing business (2004). *Understanding regulations*. The World Bank, Washington DC.
- Doing business (2018). *Reforming to create jobs*. The World Bank, Washington DC.
- Dreher, A. & Gassebner, M. (2013). Greasing the wheels? The impact of regulations and corruption on firm entry. *Public Choice*, 155(3): 413-432.
- Dutta, N. & Sobel, R. (2016). Does corruption ever help entrepreneurship? *Small Business Economics*, 47(1): 179-199.
- Dvouletý, O. & Blažková, I. (2018). Entrepreneurship and Corruption: Do Corruption Perceptions Influence Regional Entrepreneurial Activity? *The 12th. International Days of Statistics and Economics*: 433-440.
- Dvouletý, O. (2018). How to analyse determinants of entrepreneurship and self-employment at the country level? A methodological contribution. *Journal of Business Venturing Insights*, Vol. 9,: 92-99.
- Esley, Eberhart; B. Skousen & C. Joseph (2018). Institutions and entrepreneurial activity: The interactive influence of misaligned formal and in formal institutions. *Strategy Science*, Vol. 3, No.2: 393-407.
- El Harbi, S. & Anderson, A. R. (2010). Institutions and the shaping of different forms of entrepreneurship. *The Journal of Socio-Economics*, 39(3): 436-444.
- Estrin, S.; Korosteleva, J. & Mickiewicz, T. (2013). Which institutions encourage entrepreneurial growth aspirations?. *Journal of Business Venturing*, 28(4): 564-580.
- Fafchamps, M. Networks (2002). Communities and markets in SSA; implications for firm growth and investment. *J. Afr. Econ.*, 10: 109-142.
- Fernández-Serrano, J. & Romero, I. (2014). About the interactive influence of

- culture and regulatory barriers on entrepreneurial activity. *International Entrepreneurship and Management Journal*, 10(4): 781-802.
- Festus, N.; Basse, G. E. & Uyang, F. A. (2014). Entrepreneurship, corruption and the challenge of development in Nigeria. *Eur. J. Bus. Soc. Sci*, 3(3): 104-112.
- Fuentelsaz, L.; González, C.; Maícas, J.P. & Montero, J. (2015). How different formal institutions affect opportunity and necessity entrepreneurship. *BRQ Business Research Quarterly*, 18(4): 246-258.
- Fuentelsaz, L.; González, C. & Maicas, J.P. (2018). Formal institutions and opportunity entrepreneurship: The contingent role of informal institutions. *BRQ Business Research Quarterly*, 221(1): 1-20.
- Ghura, H.; Harraf, A. & Hamdan, A. (2019). The moderating effect of corruption on the relationship between formal institutions and entrepreneurial activity. *Journal of Entrepreneurship in Emerging Economies*, 12 (1): 58-78.
- Gnyawali, D.R. & Fogel, D.S. (1994). Environments for entrepreneurship development: key dimensions and research implications. *Entrepreneurship Theory and Practice*. 18(4): 43-62.
- Gujarati, D.N. (2006). *Essentials of Econometrics*. 3rd. Edition, McGraw-Hill.
- Ho, Y.P. & Wong, P.K. (2007). Financing, regulatory costs and entrepreneurial propensity. *Small Business Economics*, 28(2-3): 187-204.
- Klapper, L.; Laeven, L. & Rajan, R. (2006). Entry regulation as a barrier to entrepreneurship. *Journal of financial economics*, 82(3): 591-629.
- Klapper, L. & Love, I. (2010). The impact of business environment reforms on new firm registration. *The World Bank*, No. 5493: 1-50.
- Kokkinou, A. (2005). Entrepreneurship, innovation activities and regional growth. 45th. European Congress of the Regional Science Association. Aug. 23-27, Amsterdam.
- Korosteleva, J. & Mickiewicz, T. (2011). Start- up financing in the age of globalization. *Emerging Markets Finance and Trade*, 47(3): 23-49.
- Krasniqi, B.A. & Desai, S. (2016). Institutional drivers of high-growth firms: Country-level evidence from 26 transition economies. *Small Business Economics*, 47(4): 1075-94.
- La Porta, R.; Lopez-de-Silanes, F. & Shleifer, A. (1999). Corporate ownership around the world. *Journal of Finance*, Vol. 54, No. 2: 471-517.
- Leff, N. (1964). Economic development through bureaucratic corruption. *American Behavioral Scientist*, 8(2): 8-14.
- Levie, J. & Autio, E. (2008). A theoretical grounding and test of the GEM model. *Small Business Economics*, 31(3): 235-263.
- Levie, J. & Autio, E. (2011). Regulatory burden, rule of law, and entry of strategic entrepreneurs: An international panel study. *Journal of Management Studies*, 48(6): 1392-1419.
- Manolova, T.S.; Eunny, R.V. & Gyoshev, B.S. (2008). Institutional environments

- for entrepreneurship: Evidence from emerging economies in Eastern Europe. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 32(1): 203-218.
- Minniti, M. & Lévesque, M. (2010). Entrepreneurial types and economic growth. *Journal of Business Venturing*, 25(3): 305-314.
- Mo, P. H. (2001). Corruption and economic growth. *Journal of comparative economics*, 29(1): 66-79.
- North, D.C. (1990). *Institutions, Institutional Change and Economic Performance*. Cambridge University Press, New York, NY.
- North, D.C. (2005). *Understanding the Process of Institutional Change*. Princeton University Press, Princeton, NJ.
- Pathak, S.; Xavier-Oliveira, E. & Laplume, A.O. (2015). Entrepreneurship in transition economies: The role of corruption and individual attributes. *Journal of Balkan and Near Eastern Studies*, 17(4): 427-446.
- Payne, G.T.; Moore, C.B.; Bell, R.G. & Zachary, M.A. (2013). Signaling organizational virtue: An examination of virtue rhetoric, country-level corruption, and performance of foreign IPOs from emerging and developed economies. *Strategic Entrepreneurship Journal*, 7(3): 230-251.
- Schumpeter, J. A. (1934). *The Theory of Economic Development*. By Joseph A. Schumpeter, Translated from the German by Redvers Opie. Harvard University Press.
- Shleifer, A. & Vishny, R.W.(1993). Corruption. National Bureau of Economic Research. *Working paper* No. 4372: 3.
- Smallbone, D. & Welter, F. (2001). The distinctiveness of entrepreneurship in transition economies. *Small business economics*, 16(4): 249-262.
- Stenholm, P.; Acs, Z.J. & Wuebker, R. (2013). Exploring country-level institutional arrangements on the rate and type of entrepreneurial activity. *Journal of Business Venturing*, 28(1): 176-193.
- Szerb, L.; Rappai, G.; Makra, Z. & Terjesen, S. (2007). Informal investment in transition economies: Individual characteristics and clusters. *Small Business Economics*, 28(23): 257-271.
- Tonoyan, V.; Strohmeier, R.; Habib, M. & Perlitz, M. (2010). Corruption and entrepreneurship: How formal and informal institutions shape small firm behaviour in transition and mature market economies. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 34(5): 803-831.
- Turró, A.; Urbano, D. & Peris-Ortiz, M. (2014). Culture and innovation: The moderating effect of cultural values on corporate entrepreneurship. *Technological Forecasting and Social Change*, Vol. 88: 360-369.
- Urbano, D. & Alvarez, C. (2014). Institutional dimensions and entrepreneurial activity: An international study. *Small Business Economics*, 42(4): 703-716.
- Urbano, D.; Aparicio, S. & Audretsch, D. (2019). Twenty-five years of research on institutions, entrepreneurship, and economic growth: What has been learned?. *Small Business Economics*, 53: 21-49.

- Van Auken, H.E. & Neely, L. (1999). Obstacles to business launch. *Journal of Developmental Entrepreneurship*, 4(2): 175-187.
- Williamson, O.E. (2000). The new institutional economics: taking stock, looking ahead. *Journal of Economic Literature*, 38(3): 595-613.
- Wennekers, S.; Van Wennekers, A.; Thurik, R. & Reynolds, P. (2005). Nascent entrepreneurship and the level of economic development. *Small Business Economics*, 24(3): 293-309.
- World Bank (2005-2019). *World development indicators*. Washington DC: The World Bank.